گپی راجع به مجموعهٔ «ماجراهای بیست»

تا حالا به این فکر کردین که یه دانش‌آموز توی ۲۴ ساعت شبانه‌روز چی کار می‌کنه؟

- هفت هشت ساعت می‌خوابه و استراحت می‌کنه.
- حداقل هفت ساعت تو مدرسه‌ست که شیش ساعتش رو سر کلاسه و (احتمالن) داره درس گوش می‌ده.
- حدود یک ساعت تو راه خونه به مدرسه و مدرسه به خونه‌ست.
- سه چهار ساعتی هم توی خونه با کتابا و درساش مشغوله و کُشتی می‌گیره.
- چهار پنج ساعت از وقتش هم می‌ره برای غذاخوردن، حضور در آغوش گرم خانواده و کارای شخصی مهم و بازی‌گوشی (که شامل گوشی‌بازی هم می‌شه!).

خُب! با این حساب و کتابا معلوم می‌شه یه دانش‌آموز، ۷۵/۶۲۵ درصد از زمان بیداریش رو با درس و مشق و کتاب و مدرسه و معلم می‌گذرونه با کلّی اتفاقات تلخ و شیرین؛ پس بی‌راه نیست که بگیم:

«ماجرای بیست» ماجرای اصلی زندگی یه دانش‌آموزه.

ما توی خیلی‌سبز، این مجموعه رو آماده کردیم چون واقعن دلمون می‌خواد داستان مدرسه‌رفتن و درس‌خوندن شما و این عمری که به پاش گذاشتین، پایان خیلی خوش و شکوهمندی داشته باشه!

اگه ماجراهای جالب خودتون با درساتون رو به صورت مطلب، عکس، سلفی، خاطره، فیلم و فیلم‌نامه ... برامون بفرستین، خیلی رو سرمون منّت گذاشتین. ما حتمن ماجراهاتون رو یه جایی (مثلن تو سایت خیلی‌سبز یا شاید هم چاپ بعدی کتاب) منتشر می‌کنیم.

ماجرای من و علوم و فنون ادبی ۱

من آدم حسودی نیستم ولی تو این یه مورد به بچه‌های انسانی خیلی حسودیم می‌شه! علوم و فنون ادبی یکی از دلنشین‌ترین مباحث درسیه که فقط بچه‌های انسانی دارن. این کتاب، دروازهٔ اصلی ورود به بهشت ادبیات فارسیه. فک کن! با این دانش، زبون سعدی و حافظ و قیصر و سهراب و فروغ و ... می‌فهمی و تا آخر عمرت از هم‌صحبتی با اونا حال می‌کنی. قدر این درس رو بدونید.

ممنون از مؤلف‌های فوق‌العادهٔ این کتاب که این کتاب عالی رو نوشتن و سپاس از فاطمه جان‌محمدی گرامی که بدون ایشون این کتاب، کتاب نبود.

شاد باشید

تقدیم به

روان پاک مادرم که معلّمی فرزانه و دلسوز بود.

«سیاوش خوشدل»

تقدیم به

همسر و همراه زندگی‌ام که در زمان شکل‌گیری این اثر، پشتیبان من بودند و دو فرزند دلبندم که کاستی‌ها را در دورهٔ نوشتن به من بخشیدند و با نگاه معصومشان فراز و نشیب‌های راه را بر من هموار کردند.

«فاطمه اکران»

تقدیم به

همهٔ دانش‌آموزانی که «علوم انسانی» را با علاقه و آگاهی انتخاب کردند.

«عماد فیض‌آبادی»

هین سخنِ تازه بگو تا دو جهان تازه شود وارهد از حدّ جهان، بی حد و اندازه شود (مولوی)

سلام به بچّه‌های عزیز رشتهٔ علوم انسانی

اوّل از همه به شما خوشامد می‌گوییم برای ورود به مقطع بالاتر و از آن مهم‌تر برای انتخاب رشتهٔ علوم انسانی و پیوستن به جامعهٔ بزرگ و اثرگذاری که در آینده با فکر و دانش و تحلیل خود، باید منشأ و عامل کارهای بزرگ بشوند. بگذارید سخن را با نقد یک ذهنیت قدیمی شروع کنیم. راستش در گذشته این ذهنیت وجود داشت که در رشتهٔ علوم انسانی، دانش‌آموزها یک چیزهایی را حفظ می‌کنند و بعد آن حفظیات را روی برگهٔ امتحان کپی می‌کنند و با خوبی و خوشی و آسانی، نمره‌ای می‌گیرند و خوشحال می‌شوند.

امروزه ولی همهٔ افراد آگاه و اندیشمند می‌دانند که علوم انسانی و مسیر و روش پرداختن به آن، با آن ذهنیت خام و ساده‌اندیشانه نسبتی ندارد.

قرار است شما اندیشه‌ورز و تحلیل‌گر باشید. نقّاد و گره‌گشا باشید. جامعه‌ای که چنین افرادی نداشته باشد، در حلّ مسائل ریزش هم درمانده خواهد بود، چه برسد به مسائل کلان!

حالا با این مقدّمه، برویم ببینیم این درس قرار است در پیمودن این مسیر به چه دردی بخورد و این کتاب قرار است به شما چه کمکی بکند.

در درس «علوم و فنون ادبی»، سه مبحث عمده داریم، یکی تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، دیگری آرایه‌های ادبی و سومی وزن و موسیقی شعر.

آشنایی با تاریخ ادبیات و سبک سخن شاعران و نویسندگان، یکی از عرصه‌ها و زمینه‌های طرح اندیشه‌های گذشتگان را به ما می‌نماید. آثار ادبی، جلوه‌گاه اندیشه‌ها و آرزوهای مردمان در پیوند با تحوّلات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی دوران خودشان بوده است. در آرایه‌های ادبی، زیبایی‌ها و شگردهایی را مطالعه می‌کنیم که از طریق آن‌ها، اندیشه‌ها و آرزوها در قالب و شکل هنری در آمده است و البته خود بیانگر نیازها و احساسات گویندگان و جامعهٔ هدف و مخاطب آن‌ها بوده. و بالأخره وزن و موسیقی شعر، هم باعث می‌شود تا خودمان از خواندن شعر به لذّت بیشتری برسیم و هم به ما کمک می‌کند تا شعرها را درست بخوانیم.

همهٔ این‌ها در مقام شناخت بود. چه بسا با این مقدّمات و تسلّط بر این دانش‌ها و مهارت‌ها، ذوق ادبی شما هم گل کرد و دست به آفرینش‌های ادبی زدید. یا اگر همین الان هم اهل ذوق و نوشتن و شعر هستید، سطح کار خود را بالاتر بردید.

امّا کتابی که الان پیش روی شماست:

ما در این کتاب کوشیده‌ایم که با یک درس‌نامهٔ جامع و تحلیلی و با نکات و آموزه‌های تکمیلی و حتّی گاهی نقّادانه، آن‌چه را گمان می‌کنیم برای فهم و ادراک مطالب کتاب درسی لازم بوده، در اختیار شما بگذاریم.

درس‌نامهٔ هر درس، مبتنی بر تمام نکات موجود در کتاب درسی است، ولی محدود به آن نیست. مؤلّفان کتاب بنا به تجربهٔ مستقیمی که از کلاس درس و مواجهه با سؤالات و نیازهای دانش‌آموزان داشته‌اند، کوشیده‌اند که هر نوع ابهام و مشکلی در درک مطالب کتاب درسی را پیش‌بینی کنند و با افزودن نکات و جزئیات لازم در درس‌نامه، آن را به راه‌گشا و به موقعش گره‌گشای مسیر مطالعهٔ شما تبدیل کنند.

بیان ماهیت درس در بخش آغازین با نام «جعبهٔ مشاوره»، شرح اصطلاحات کتاب درسی و تحلیل مثال‌های آن، تأکید بر جزئیات در قالب «توجّه» و پرداختن به نکات مهم در کادرهای «چراغ راه» و ذکر توضیحات تکمیلی و مهم در قالب «نکته» معرّفی موسیقی برای ادراک بهتر از وزن شعر در بخش «زنگ موسیقی» و پرسش و پاسخ‌هایی برای تثبیت آموزه‌ها با عنوان «حالا تو بگو»، اجزای مختلف درس‌نامه را تشکیل می‌دهند.

علاوه بر این‌که مطابق موضوع هر درس، به تحلیل مثال‌های کتاب پرداخته‌ایم، برخی از ابیات و عبارات کتاب را برای تحلیل از منظر قلمروهای سه‌گانه (ادبی ـ زبانی ـ فکری) سودمند یافتیم. این بخش را به صورت ضمیمهٔ مجازی در اختیارتان گذاشتیم. با اسکن کیوآرکدهای مشخّص‌شده، به این بخش دسترسی خواهید داشت.

پاسخ دقیق و کامل خودارزیابی‌ها پس از هر درس‌نامه در اختیار شماست، امّا پیشنهاد اکید ما این است که نخست خودارزیابی‌ها را خودتان انجام بدهید و بعد با پاسخ‌های ما مقایسه کنید.

بخش مهمّ دیگر این کتاب، پرسش‌های امتحانی است. در این بخش به سبک طرّاحی سؤالات امتحانی توجّه داشته‌ایم. شکل‌های مختلفی از سؤالات به صورت جای خالی، درست ـ غلط، سؤالات تشریحی و سؤالات تستی را در بخش پرسش‌ها قرار داده‌ایم.

تلاش شما برای پاسخگویی دقیق به این بخش، شما را برای کسب نمرهٔ بیست در امتحان نهایی آماده می‌کند. البته در این بخش ما خودمان را محدود به امتحان نهایی نکرده‌ایم؛ اوّلاً با تست‌هایی که در بخش پایانی پرسش‌ها آورده‌ایم، یک گوشهٔ چشمی به کنکور سراسری داشته‌ایم. چه بهتر که از همین الان علوم و فنون را با کیفیتی بخوانید و تمرین کنید که در سال‌های بعد، بار و کار خودتان را سبک کرده باشید. برخی تست‌های کنکور سراسری را هم برای شما آورده‌ایم تا اهمیت علوم و فنون دهم را بیشتر درک کنید. از طرف دیگر، سؤالاتی سخت‌تر از سطح معمول سؤالات رایج در امتحانات نهایی هم برای شما آماده کرده‌ایم تا کمی بیشتر خود را به چالش بکشید و در عین حال این آمادگی ذهنی را داشته باشید که ممکن است در امتحانات بخواهند سؤال متفاوت و سطح بالاتری هم بدهند. این سؤالات را با نشانهٔ جت مشخّص کرده‌ایم.

برای پاسخ تشریحی و دقیق این بخش، وقت زیادی صرف شده. کوشش کردیم که دلیل پاسخ صحیح را تشریح کنیم. شما هم با دقّت روی این بخش وقت بگذارید و از کنار پاسخ‌ها سرسری نگذرید. خوب بخوانید تا قانع شوید. اگر هم جایی قانع نشدید، چه بهتر! این نشان می‌دهد که شما یک دانش‌آموز علوم انسانی اهل نقد هستید.

دو آزمون نوبت اوّل و دو آزمون نوبت دوم تألیفی و هم‌چنین نهایی خرداد ۱۴۰۳ را هم در انتهای کتاب برایتان آورده‌ایم تا با سبک و سیاق امتحانات علوم و فنون کاملاً آشنا شوید و خودتان را بسنجید. نسبت به درس‌نامه و پاسخ‌های خودارزیابی هم اگر نقد و نظری داشتید، ما از شنیدن نقد و تحلیل شما خوشحال خواهیم شد و آن را در چاپ‌های بعدی مورد توجّه قرار خواهیم داد.

فراتر و مهم‌تر از بیست

تمام این کتاب و درس و موضوعات آن، در صورتی برای آیندهٔ شما مفید و اثرگذار خواهد بود که چیزی به شما بیفزاید. همان‌طور که در بیت آغاز این مقدّمه می‌خوانید، «سخن تازه» مرزها و محدودیت‌های جهان را پشت سر می‌گذارد. اگر حاصل همهٔ این مطالعه‌ها و دقّت‌ها و تمرین‌ها این باشد که شما سخن تازهٔ دیگران را به خوبی بشناسید و تحلیل کنید و یا خودتان بتوانید سخن تازهٔ خودتان را کشف کنید و نشر بدهید، آن وقت است که کار خیلی بزرگ و ارزشمندی انجام داده‌اید و ما هم از سهم کوچک خودمان در همراهی با شما خوشحال خواهیم بود.

حُسن در هر نظری جلوهٔ دیگر دارد سخن تازه محال است مکرّر گردد (صائب تبریزی)

فهرست

فصل اول

درس ۱: مبانی تحلیل متن ۸
خودارزیابی ۱۶
سؤال‌های امتحانی ۲۰
درس ۲: سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار در شعر فارسی ۲۸
خودارزیابی ۳۱
سؤال‌های امتحانی ۳۲
درس ۳: واج‌آرایی، واژه‌آرایی ۳۸
خودارزیابی ۴۰
سؤال‌های امتحانی ۴۱
کارگاه تحلیل فصل اوّل ۴۵
پاسخ‌نامهٔ کارگاه تحلیل فصل اوّل ۴۶

فصل دوم

درس ۴: تاریخ ادبیات پیش از اسلام و قرن‌های اولیهٔ هجری ۴۷
خودارزیابی ۵۰
سؤال‌های امتحانی ۵۱
درس ۵: هماهنگی پاره‌های کلام ۵۶
خودارزیابی ۶۰
سؤال‌های امتحانی ۶۱
درس ۶: سجع و انواع آن ۶۶
خودارزیابی ۶۸
سؤال‌های امتحانی ۶۹
کارگاه تحلیل فصل دوم ۷۳
پاسخ‌نامهٔ کارگاه تحلیل فصل دوم ۷۳

فصل سوم

درس ۷: سبک و سبک‌شناسی (سبک خراسانی) ۷۴
خودارزیابی ۷۹
سؤال‌های امتحانی ۸۰
درس ۸: وزن شعر فارسی ۸۶
خودارزیابی ۹۰
سؤال‌های امتحانی ۹۳
درس ۹: موازنه و ترصیع ۹۷
خودارزیابی ۹۹
سؤال‌های امتحانی ۱۰۳
کارگاه تحلیل فصل سوم ۱۰۶
پاسخ‌نامهٔ کارگاه تحلیل فصل سوم ۱۰۶

فصل چهارم

درس ۱۰: زبان و ادبیات فارسی در سده‌های پنجم و ششم و ویژگی‌های سبکی آن ۱۰۸
خودارزیابی ۱۱۰
سؤال‌های امتحانی ۱۱۲
درس ۱۱: قافیه ۱۱۸
خودارزیابی ۱۲۴
سؤال‌های امتحانی ۱۲۵
درس ۱۲: جناس و انواع آن ۱۳۲
خودارزیابی ۱۳۴
سؤال‌های امتحانی ۱۳۶
کارگاه تحلیل فصل چهارم ۱۴۰
پاسخ‌نامهٔ کارگاه تحلیل فصل چهارم ۱۴۱

پاسخ‌نامه

پاسخ‌نامهٔ تشریحی ۱۴۳

امتحانات

امتحان شمارهٔ ۱ (نوبت اول) ۱۷۵
پاسخ سؤال‌های امتحانی نوبت اول (آزمون شمارهٔ ۱) ۱۹۲
امتحان شمارهٔ ۲ (نوبت اول) ۱۷۸
پاسخ سؤال‌های امتحانی نوبت اول (آزمون شمارهٔ ۲) ۱۹۲
امتحان شمارهٔ ۳ (نوبت دوم) ۱۸۱
پاسخ سؤال‌های امتحانی نوبت دوم (آزمون شمارهٔ ۳) ۱۹۳
امتحان شمارهٔ ۴ (نوبت دوم) ۱۸۵
پاسخ سؤال‌های امتحانی نوبت دوم (آزمون شمارهٔ ۴) ۱۹۴
امتحان شمارهٔ ۵ (نهایی خرداد ۱۴۰۳) ۱۸۸
پاسخ سؤال‌های امتحانی نوبت دوم (نهایی خرداد ۱۴۰۳) ۱۹۵

درس ۱ : مبانی تحلیل متن

فصل اول

جعبهٔ مشاوره

دوست عزیز، سلام! بریم که با هم این لحظهٔ تاریخی رو آغاز کنیم. به عنوان یک دانش‌آموز علوم انسانی قراره برای اولین بار در زندگی ارزشمند علمی خودت (که می‌شه گفت الان در آغاز راهش هستی) درس علوم و فنون ادبی رو بخونی. همون‌طور که در مقدمهٔ کتاب گفتیم، این درس از مهم‌ترین درس‌های رشتهٔ انسانی و دربردارندهٔ برخی از عمیق‌ترین و کاربردی‌ترین علوم برای خیلی از پژوهشگرهای علوم انسانیه! برات در این مسیر آرزوی موفقیت می‌کنیم. ما در این مسیر جذاب و پر پیچ و خم کنارتیم!

خب، درس اول زیاد درس سختی نیست. توی بیشتر درس با مثال طرفیم.

البته این چیزی از اهمیت درس کم نمی‌کنه و حواست باشه مطالب این درس در آینده بارها به دردت می‌خوره. مقدار کمی حفظیات داره و مهم‌ترین بخش، آشنایی با قلمروهای سه‌گانه (زبانی، ادبی و فکری) در تحلیل متنه و باید یاد بگیریم که اگر در امتحان نهایی یک متن نثر یا شعر بهمون دادن، چه‌جوری براش تحلیل بنویسیم.

تعریف کلی متن

به طور کلی هر چیزی که ذهن ما را به پویایی درآورد متن است. متن فقط نوشتهٔ روی کاغذ و کتاب نیست و هر چیزی که برای ما معنایی در ذهن ایجاد کند و از آن پیامی دریافت کنیم، می‌تواند متن حساب شود.

با این دیدگاه متن‌ها انواعی دارند، برای مثال:

- متن دیداری: هر رویداد و چیزی که می‌بینیم؛ کتاب‌ها هم متن دیداری هستند. اگه خوانده شوند، متن شنیداری یا خوانداری گفته می‌شوند.
- متن لمس‌کردنی: برگ یک گل
- متن بویایی: بوی سوختن غذا و ...

مصداق متن در کتاب علوم و فنون ادبی با این‌که آموختیم همه‌چیز می‌تواند متن حساب شود، اما در این کتاب مقصود از متن فقط آثار مکتوب (شعر یا نثر) فارسی است.

در کتاب علوم و فنون می‌خواهیم ویژگی‌های متن مکتوب را بشناسیم و آن‌ها را از جنبه‌های مختلفی ارزیابی کنیم.

برای شناخت و ارزیابی متون باید معیارهایی طراحی کنیم و روش کار را بیان کنیم.

قلمروهای تحلیل متن یکی از آسان‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه‌های شناخت و ارزیابی متون، بررسی متن از سه دیدگاه زبان، ادبیات و فکر است. هر یک از این سه دیدگاه به ترتیب به مباحث «قلمروی زبانی»، «قلمروی ادبی» و «قلمروی فکری» مرتبط می‌شود.

در نمودار زیر به طور مختصر می‌آموزیم هر قلمرو شامل چه نکاتی می‌شود.

- قلمرو
  - زبانی
    1. بررسی ساختار واژگان به‌کاررفته در متن (ساده یا سخت بودن، فارسی یا عربی بودن، کهن یا جدید بودن و ...)
    2. بررسی ساختار جملات متن (کوتاه یا بلند بودن، همه‌فهم یا دشوار بودن، مرتب‌بودن اجزای جمله یا ترتیب متفاوت آن با شکل عادی)
    3. نکات دستور زبانی به‌ویژه ویژگی‌های دستوری، تاریخی و کهن که امروزه به گونه‌ای دیگر کاربرد دارند.
  - ادبی
    1. بررسی آرایه‌های ادبی در متن (میزان آن‌ها، نحوهٔ ساخت آرایه‌ها)
    2. موارد مربوط به قالب شعر یا نثر (قالب شعر مثل غزل، قصیده، مثنوی و قالب نثر مثل خاطره‌نویسی، سفرنامه، رمان و داستان کوتاه)
    3. نکات مربوط به وزن و قافیه و ردیف (فقط در شعر) و سجع (در نثر و گاهی شعر)
  - فکری
    1. مفهوم و پیام کلی یک اثر و معنی ابیات و عبارات
    2. فضای عاطفی اثر از جمله شاد، غمگین، هیجانی و احساسی بودن آن
    3. موضوع و درون‌مایه و نوع ادبی اثر مثل حماسی، عاشقانه، مذهبی یا تعلیمی بودن

مراحل تحلیل نظم و نثر

توجه: ترتیب مراحل مهم است و باید حفظ شود:

۱ خوانش شعر یا متن

۲ بررسی نکات زبانی ← شناسایی و استخراج نکات زبانی

۳ بررسی نکات ادبی ← شناسایی و استخراج نکات ادبی

۴ بررسی نکات فکری ← شناسایی و استخراج نکات فکری

۵ نتیجه‌گیری و تعیین نوع

نکته: می‌توان گفت در این مراحل یک مرحلهٔ صفر یا مقدماتی وجود دارد که باید قبل از خوانش انجام گیرد:

- در شعر: نگاه کلی به شعر قبل از خوانش برای تشخیص لحن متناسب با شعر.
- در نثر: مرحلهٔ چشم‌خوانی؛ به معنای یک بار از نظر گذراندن کل متن قبل از خواندن کلمه‌به‌کلمهٔ آن.

جعبهٔ مشاوره

بعضی از توضیحاتی که در این قسمت می‌خوانیم، در کتاب درسی نیامده‌اند اما خواندن و فهمیدن آن ضروری است؛ چراکه کتاب درسی این موارد را در قالب مثال در درس آورده است، ولی ما قصد داریم با اضافه‌کردن این توضیحات، علاوه بر آموختن مطالب حفظی، شما را برای قسمتی از امتحان نهایی آماده کنیم که به آن «تحلیل نظم و نثر» گفته می‌شود و در امتحان نهایی علوم و فنون ادبی هر سه پایه (دهم تا دوازدهم) ۴ نمره دارد. در این بخش از امتحان طراح سؤال به شما ابیات یا متنی را می‌دهد و از شما می‌خواهد که ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری آن را براساس تشخیص خود بنویسید.

۱. خوانش شعر: خواندن دقیق متن، نخستین گام مؤثر در رویارویی با متون است. پیش از خوانش، نگاهی کلی به متن از آغاز تا انجام برای کشف لحن و آهنگ ضروری است.

پس از شناسایی لحن مناسب با حال و هوای محتوای اثر، خواندن اتفاق می‌افتد.

به خاطر داشته باشید در خوانش شعر باید تمام اثر، یکباره و بی‌گسست خوانده شود تا درک ارتباط طولی و فهم محتوایی دچار اختلال نشود.

منظور از ارتباط طولی، درک رابطه و اتصال معنایی ابیات مختلف یک شعر با هم است؛ به همین جهت باید ابیات در کنار هم خوانده شوند.

۲. شناسایی و استخراج نکات زبانی: در نمودار قلمروهای سه‌گانه به صورت خلاصه با نکات زبانی آشنا شدیم. موارد زیر از مثال‌هایی است که جزء نکات زبانی یک اثر حساب می‌شود:

- وجود واژگان کهن که امروزه دیگر کاربرد ندارند، در شعر یا نثر.
- مقدار کاربرد واژگان غیرفارسی به‌ویژه عربی؛ یعنی بررسی کم یا زیاد بودن واژگان غیرفارسی و ذکر مثال‌های آن.

چراغ راه

نحوهٔ تشخیص عربی‌بودن ریشهٔ یک واژه: ۱ وجود حروف الفبایی «ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، غ» نشانهٔ تقریباً قطعی عربی‌بودن واژه است، مثل «صمیمیت»، «عشق»، «حوالی» و «طاهر».

توجه: ولی نباید این‌طور تصور کنیم که فقط واژه‌های دارای این حروف عربی هستند. برای مثال «امر»، «قاهره»، «ناس» و «بقره» هم عربی هستند.

۲ اگر سه حرف اصلی واژه و هم‌خانواده‌هایی با وزن عربی از همان سه حرف را بشناسیم، به عربی‌بودن واژه پی می‌بریم.

۳ اگر واژه در یکی از این وزن‌ها باشد یا هم‌خانواده‌ای با این وزن‌ها داشته باشد، عربی است: فاعل (شاکر)، مفعول (مشعوف)، مَفعَل (مکتب)، مَفعِل (مغرب)، مَفعله (مدرسه)، فعیل (شهید) مصدر و اسم فاعل‌ها و اسم مفعول‌های ساخته‌شده از آن‌ها تمام باب‌های عربی مثل افعال (اطعام)، تفعیل (تدریس)، مفاعله (مقابله)، استفعال (استکبار) و ...

- *از وزن‌ها نترسید! توی کتاب عربی دهم و یازدهم کامل اون‌ها رو یاد می‌گیرید. فقط هواستون باشه که عربی رو هم حسابی جدی بگیرید.* ☺

۴ وجود حروف «گ، چ، پ، ژ» می‌تواند نشانهٔ عربی‌نبودن واژه باشد؛ مثل «پدر»، «سپید»، «گرگ»، «چمن» و «ژاله» که همگی واژهٔ اصیل فارسی هستند.

- شبکهٔ معنایی و کاربرد واژگان مترادف، متناسب و یا متضاد

توجه: شبکهٔ معنایی واژگان تنها نکته‌ای است که هم در قلمرو زبانی بررسی می‌شود، هم ادبی.

- بررسی واژه‌های مرکب یا وندی ـ مرکّب موجود در متن، به‌ویژه واژه‌های کم‌کاربرد که ساختهٔ ذهن شاعر یا نویسنده است، مثل «روبه‌بازی» یا «زنبورخانه»؛ به این مورد «ترکیب‌سازی» می‌گوییم.
- جمله‌بندی یا کاربرد فعل کهن و متفاوت با ساخت امروزی؛ مثل «برفت»، «همی‌آید»، «نه اندیشید»، «نیارست گفت».
- سادگی یا دشواری زبان شعر و کوتاهی یا بلندی جملات

شرح اصطلاح: به کاربرد جمله‌های کوتاه «ایجاز و اختصار» می‌گوییم و به کاربرد جملات طولانی با لفظ‌پردازی‌های زیاد که معمولاً با استفاده از صفت‌ها و مترادف‌ها ایجاد می‌شود «اطناب و تفصیل» می‌گوییم.

- کاربرد واژگان کهن که امروزه شکل دیگری دارند. مثال: اُشتر (شتر) و شاخ (شاخه)
- بررسی انواع حذف و به‌ویژه حذف فعل به قرینهٔ لفظی یا معنایی
- بررسی انواع «را»:
  - تو را دیدم. (رای مفعولی)
  - تو را دل دریاست. (دلِ تو) (رای فک اضافه)
  - تو را دلی بزرگ است. (برای تو) (رای حرف اضافه)
- بررسی معنای یک واژهٔ خاص مثل کاربرد واژهٔ «قاتل» در معنای «کشنده» برای غیر انسان یا «بگسست» در معنای «شکست»

نکته: بررسی معنای کل عبارت یا یک جمله یا بیت در قلمرو فکری است، اما معنای یک واژهٔ خاص، قدیمی یا متفاوت نسبت به کاربرد معمول واژه را می‌توان در قلمرو زبانی بررسی کرد.

- بررسی ساختمان واژه‌ها
  1. ساده: دام (دارای یک جزء)
  2. وندی: مرده (مُرد (جزء معنی‌دار) + ه (جزء بدون معنی))
  3. مرکّب: زنبورخانه (زنبور (جزء معنی‌دار) + خانه (جزء معنی‌دار))
  4. وندی ـ مرکب: روبه‌بازی (روبه (جزء معنی‌دار) + باز (جزء معنی‌دار) + ی (جزء معنی‌دار))

۳. شناسایی و استخراج نکات ادبی: به صورت کلی بررسی آرایه‌ها، قالب، قافیه و ردیف و وزن شعر مربوط به قلمرو ادبی است؛ اما توضیحات جزئی‌تر:

- بررسی جایگاه قافیه‌ها و تشخیص قالب براساس آن (مثلاً شعری که در آن تمام ابیات قافیهٔ مجزا دارند و دو مصراع با هم هم‌قافیه هستند، مثنوی است.)
- یافتن آرایه‌های متن مثل تشبیه، کنایه، استعاره، مجاز، جناس، مراعات نظیر، تضاد، حس‌آمیزی و ...
- بهره‌گیری از آرایه‌ها با بیان خلاقانهٔ یک مفهوم مثل کاربرد ضرب‌المثل برای تأکید بر مفهوم یا استفاده از اغراق در توصیف صحنهٔ جنگ در شعر حماسی برای افزودن هیجان و ...
- بررسی تصویرسازی‌های یک شعر یا متن و درک نوع آن‌ها (حسی یا ذهنی بودن صور خیال از جمله تشبیه‌ها)

توجه: صور خیال یعنی تصویرسازی‌های خیال‌انگیز. مجموعهٔ آرایه‌های علم بیان، یعنی تشبیه، کنایه، استعاره و مجاز و موارد مرتبط با این‌ها صور خیال هستند.

چراغ راه

تشخیص حسی یا ذهنی بودن تشبیه‌ها: اگر در یک تشبیه، مشبّه و مشبّهٌ‌به هر دو مفاهیم عینی و بیرونی باشند که در واقعیت وجود دارند و می‌شود آن‌ها را دید یا لمس کرد، تشبیه حسی است؛ مثل تشبیه قد یار به سرو.

اما اگر در تشبیه یکی از دو طرف اصلی مفهومی ذهنی و انتزاعی باشد، یعنی در واقعیت موجود نباشد و فقط در ذهن ما فهمیده شود، تشبیه ذهنی حساب می‌شود؛ مثل تشبیه عشق (مفهوم ذهنی) به آتش.

۴. شناسایی و استخراج نکات فکری: هر نکته‌ای که مربوط به معنا و مفهوم و پیام یک اثر باشد در قلمرو فکری دسته‌بندی می‌شود، اما مصداق‌های آن:

- بیان نکات معرفتی و آموزندهٔ متن
- کشف هدف شاعر یا نویسنده از خلق اثر
- مفهوم کلی اثر و پیام آن برای مخاطب
- شاد یا غمگین بودن اثر، خوشبینانه یا بدبینانه بودن آن

۵. نتیجه‌گیری و تعیین نوع: **الف** نتیجه‌گیری: بیان ویژگی‌های کلی اثر که ممکن است به هر سه قلمرو قبلی ارتباط داشته باشند؛ معمولاً در این مرحله نکات قلمرو فکری بیشتر تکرار می‌شوند. برای مثال در نتیجه‌گیری یک شعر می‌توان چنین عبارتی را نوشت:

«این شعر با زبانی ساده و همه‌فهم (نکات زبانی) و در قالب غزل و با کاربرد نسبتاً زیاد آرایه‌های تشبیه و استعاره و تصویرسازی‌های ذهنی (نکات ادبی) به بیان حس غم شاعر در فراق و جدایی معشوق می‌پردازد و در نهایت راه حل غم خود را ملاقات با معشوق بیان می‌کند (نکات فکری).»

ب تعیین نوع اثر: در این قسمت ما باید اثر را در یک دسته یا گونهٔ کلی ادبی قرار دهیم. موارد زیر می‌توانند مثال‌های درست و پاسخی برای دسته‌بندی اثر و تعیین نوع باشند:

حماسی، مدحی (ستایش یک فرد مثل پادشاه یا وزیر یا ...)، غنایی (عاشقانه، عارفانه)، داستانی یا روایی، تعلیمی یا اندرزی یا حِکمی، مذهبی، اجتماعی، سیاسی یا انتقادی، توصیفی (مثل توصیف طبیعت یا فصل بهار)

قدیمی‌ترین طبقه‌بندی انواع ادبی در یونان باستان انجام شد و بیشتر مربوط به اشعار بود. این طبقه‌بندی براساس محتواست و آثار ادبی را در این دسته‌ها جای می‌دهد: حماسی ـ غنایی ـ نمایشی ـ تعلیمی

شرح اصطلاح

ادبیات غنایی: به طور کلی هر اثری را که بیان‌کنندهٔ عواطف و احساسات شاعر یا نویسنده باشد، می‌توان در دستهٔ ادبیات غنایی قرار داد. آثار عاشقانه، عارفانه، بیان درد دل و غم‌های شخصی و شرح حال درونی و بیان شادی و هیجان و ترس و امثال این‌ها، همگی می‌توانند در ادبیات غنایی حساب شوند. به همین جهت بسیاری از آثار ادبیات فارسی در دستهٔ ادبیات غنایی می‌گنجند.

ادبیات حماسی: «حماسه» به معنی دلاوری و شجاعت است و در اصطلاح ادبی، روایتی داستانی از تاریخ تخیلی یک ملت است که با قهرمانی‌ها، جنگاوری و رخدادهای خلاف عادت و شگفت (خارق‌العاده) درمی‌آمیزد.

ادبیات تعلیمی: اثر تعلیمی، اثری است که با هدف آموزش و تعلیم، موضوعاتی از حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری را بیان می‌کند.

ادبیات نمایشی: گونه‌ای از ادبیات است که برای اجرا در صحنهٔ تئاتر یا مکان‌های دیگر تنظیم و نوشته شده باشد و نمایش‌نامه، فیلم‌نامه، تعزیه‌نامه و امثال این‌ها را در بر می‌گیرد.

حالا تو بگو

■ عبارت‌های درست و نادرست را تعیین کنید.

۱- الف) هر چیزی که ذهن را به پویایی درآورد، متن مکتوب است. ☑ ☒

ب) تشخیص قالب شعر براساس جایگاه قافیه‌ها مربوط به قلمرو ادبی است. ☐ ☐

۲- بررسی موضوع و درون‌مایهٔ اثر در قلمروی ..... صورت می‌گیرد. ☐ ☐

۳- چرا در خوانش شعر تمام اثر را یکباره و بی‌گسست می‌خوانیم؟

۴- در مصراع «بدانست کاو هم نماند به زیر» فعل ماضی ساده با «بـ» آمده و بر دیگر اجزای جمله مقدم است. این موارد مربوط به کدام مرحلهٔ بررسی متن است؟

الف) زبانی ب) ادبی پ) فکری

پاسخ: ۱ الف) نادرست (متن مکتوب، آثار شعر و نثر هستند.) ب) درست ۲ فکری ۳ برای این‌که درک ارتباط طولی و فهم محتوایی دچار اختلال نشود. ۴ زبانی

تحلیل شعر عطار (مثال موجود در کتاب درسی برای بخش نظم)

به دام افتاد روباهی سحرگاه — به روبه‌بازی اندیشید در راه

زبانی ترکیب‌سازی: واژهٔ «روبه‌بازی» ـ شیوهٔ بلاغی (به هم ریختن ترتیب اجزای جمله): نهاد و قید بعد از فعل آمده است. به دام افتاد (فعل) روباهی (نهاد) سحرگاه (قید)

ادبی قالب شعر: مثنوی، روبه‌بازی کنایه از «حیله‌گری و نقشه‌کشیدن» ـ «راه» مجاز از شیوهٔ حل «مشکل»

فکری لحن شاعر روایی و کل اثر داستانی است.

که گر صیّاد بیند هم‌چنینم — دهد حالی به گازُر پوستینم

زبانی کاربرد واژهٔ عربی: واژهٔ «صیاد» ـ کاربرد واژهٔ کهن: واژهٔ «گازر» در معنی «رختشوی» (شویندهٔ رخت و لباس) فعل «بیند» مضارع التزامی و فعل «دهد» مضارع اخباری هستند، اما با حالت امروزی تفاوت دارند («ببیند» و «می‌دهد»).

ضمیر «م» در مصراع نخست مفعول است، ولی به قید متصل شده است.

ادبی «پوستینم را به گازر می‌دهد» کنایه از این‌که «پوستم را می‌کند.» پوستین به گازردادن: کنایه از پوست‌کندن

پس آن‌گه، مُرده کرد او خویشتن را — ز بیم جان، فروافکند تن را

زبانی کاربرد تاریخی دستور (یعنی جمله‌سازی و دستور زبان یا ساخت افعال قدیمی باشد.) در «خویشتن را مرده کرد» به معنای «خود را به مردن زد.» ـ کاربرد فعل پیشوندی: فروافکند ـ هر دو مصراع شیوهٔ بلاغی دارند (مقدم‌شدن فعل بر مفعول) ـ واژه‌ها ساده و فارسی هستند.

ادبی بیت ردیف بسیار ساده‌ای دارد: را ـ مراعات نظیر «جان» و «تن»

فکری معنی: پس آن زمان خودش را به مردن زد و از ترس جان، خود را رها در زمین انداخت.

چو صیّاد آمد، او را مرده پنداشت — نمی‌یارست روبه را کم انگاشت

زبانی کاربرد واژهٔ کهن «نمی‌یارست» در معنای «نمی‌توانست» ـ کاربرد «کم انگاشت» در معنای «دست کم گرفتن» و «بی‌اهمیت‌دانستن» ـ «انگاشت» مصدر مرخّم است، یعنی «انگاشتن» ـ در مجموع ساختار «نمی‌یارست کم انگاشت» مصداق کاربرد دستور تاریخی حساب می‌شود؛ در معنای «نتوانست از روباه بگذرد و او را رها کند».

توجه: بررسی معنای یک واژه یا عبارت مربوط به قلمرو زبانی است، اما معنای کل عبارت یا بیت در قلمرو فکری بررسی می‌شود.

ز بُن بُبرید حالی گوش او لیک — که گوش او به کار آید مرا نیک

نکته خوانشی: در بیت «بُبرید» به خاطر وزن شعر باید متفاوت با حالت عادی خوانده شود: بُبْرید

زبانی کاربرد «بُن» به معنای «تَه» که امروزه کاربرد کم‌تری دارند. ـ کاربرد «رای» فک اضافه در «به کار آید مرا» ← به کار من می‌آید. استفاده از «ب» در ابتدای ماضی ساده: ببرید ← بُرید

ادبی جناس ناقص در واژه‌های «لیک» و «نیک»

فکری معنی: نقشهٔ روباه تا حدی موفق نبود، چون صیاد تصمیم گرفت گوش او را که فکر می‌کرد برایش مفید خواهد بود، ببُرَد و با خود ببرد.

در این بیت «گوش» نمادی از جسم و اندام ظاهری روباه است که مجبور است برای زنده‌ماندن آن را فدا کند.

به دل، روباه گفتا: ترکِ غم گیر — چون زنده مانده‌ای، یک گوش، کم گیر

زبانی ساختار کهن فعل «گفتا» به جای «گفت» و «گیر» به جای «بگیر» ـ جمله‌های ساده و کوتاه ـ شبکهٔ معنایی (تناسب) در واژه‌های «دل» و «گوش»

توجه: شبکهٔ معنایی (مثل تناسب یا تضاد) میان واژگان تنها موردی است که هم می‌تواند در قلمرو زبانی باشد، هم ادبی.

هنگامی که در قلمرو ادبی بیان شود با عنوان آرایهٔ مراعات نظیر (تناسب) یا تضاد می‌آید.

ادبی «غم» و «کم» علاوه بر این‌که قافیه هستند، آرایهٔ جناس هم دارند. ـ «دل» مجاز از «خود» یا «درون خود» ـ «ترک غم گیر» کنایه از این‌که «ناراحت نباش» ـ بیت «ذوقافیتین» است ۱) غم / کم ۲) گیر (بگیر) / گیر (فرض کن)

فکری معنی: روباه خود را دلداری می‌دهد و فکر می‌کند از دست دادن یک گوش در ازای زنده‌ماندنش ارزشی ندارد.

یکی دیگر بیامد، گفت: این دَم زبان او به کار آید مرا هم

زبانی زبان این بیت بسیار ساده و فاقد واژه‌های عربی است. ـ کاربرد «را»ی فک اضافه: به کار آید مرا ← به کار من می‌آید/ استفاده از «بـ» در ابتدای فعل ماضی ساده: بیامد ← آمد

توجه: تشخیص انواع را: ۱ «را»ی مفعولی: بعد از نقش مفعول می‌آید. مفعول آن چیزی است که در پاسخ پرسش «چه چیزی را؟» یا «چه کسی را؟» در کنار فعل جمله می‌آید. **مثال:** ز بیم جان، فروافکند تن را. چه چیزی را فروافکند؟ پاسخ: تن را

پس «تن» نقش مفعول دارد و «را»ی پس از آن مفعولی است.

۲ «را»ی فک اضافه: بعد از مضافٌ‌الیه می‌آید و در واقع جداکنندهٔ ترکیب اضافی است. در حالت عادی ترکیب اضافی در این قالب است:

اسم (هسته (مضاف)) ـِ اسم (وابسته (مضافٌ‌الیه))؛ با آمدن «را»ی فک اضافه واژهٔ قبل از «را»، باید بتواند مضافٌ‌الیه برای یکی دیگر از واژه‌های جمله شود. می‌توان برای تشخیص این «را» آن را حذف کرد، قبل از واژهٔ پیش از «را» یک «ـِ» گذاشت و برای آن از سایر واژه‌های جمله یک مضاف پیدا کرد. مثال: مرا زندگی سخت شد ← «زندگیِ من» سخت شد.

مثال دیگر: گوش او به کار آید مرا ← گوش او به کارِ من می‌آید.

۳ «را»ی حرف اضافه یا متمّمی: همان‌طور که از عنوان این «را» پیداست بعد از نقش متمّم می‌آید.

متمّم واژه‌ای است که بعد از حرف اضافه می‌آید. «را»ی حرف اضافه خود به جای یکی از حروف اضافه («از»، «ب»، «با»، «برای») و ... می‌آید و می‌توان از روی معنی آن را تشخیص داد. متمّم پیش از «را» قرار می‌گیرد.

مثال: تو را می‌گویم ← به تو می‌گویم ـ ما را فراغتی است ← برای ما فراغتی است.

ادبی «دم مجاز از» «لحظه» یا «زمان» ـ «دَم» و «هم»: جناس ناهمسان اختلافی

فکری مفهوم: ادامهٔ فرایند حملهٔ صیادان به جسم روباه

زبانش را بُرید آن مرد، ناگاه نکرد از بیم جان، یک ناله روباه

زبانی شیوهٔ بلاغی (مقدم‌شدن فعل بر دیگر اجزای جمله در هر دو جمله)

فکری معنی: روباه برای حفظ جان مجبور شد زبان خود را هم از دست بدهد و واکنشی نشان ندهد.

دگر کس گفت: ما را از همه‌چیز به کار آید همی دندان او نیز

زبانی دگر کس: ترکیب وصفی مقلوب (یعنی جای صفت و موصوف تغییر کرده و امروزی آن «کسِ دیگر» است.) ـ دستور تاریخی در فعل «به کار آید همی» به جای «به کار می‌آید» ـ «را»ی فک اضافه: ما را به کار ← به کارِ ما

ادبی جناس در واژه‌های «چیز» و «نیز» که واژه‌های قافیه هم هستند.

نزد دم، تا که آهن درفکندند به سختی چند دندانش بکندند

زبانی کاربرد فعل «درفکندند» در معنای «انداختند» ـ فعل «بکندند» ماضی ساده است که امروزه بدون «بـ» به کار می‌رود.

ادبی «نزد دم» کنایه از این‌که «سکوت کرد» ـ «آهن» مجاز از «انبر» یا «وسیلهٔ آهنی دیگر»

فکری معنی: روباه از نگرانی جانش مجبور شد سکوت کند، حتی وقتی که دندان او را می‌کشیدند.

به دل، روباه گفتا: گر بمانم نه دندان باش و نه گوش و نه زبانم

زبانی گفتا به جای «گفت» و «باش» به جای «باشد» (دستور تاریخی در افعال) ـ حذف فعل به قرینهٔ لفظی در انتهای بیت (فعل «باش» حذف شده)

ادبی کاربرد آرایهٔ مراعات نظیر: «دندان» و «گوش» و «زبان»

فکری معنی: روباه با خود گفت زنده‌ماندن از جسم و اندام من مهم‌تر است و بدون بعضی از اندام‌ها هم می‌توان زندگی کرد.

مفهوم: کم‌اهمیتی جسم و ظاهر

دگر کس آمد و گفت: اختیار است دل روبه، که رنجی را به کارست

زبانی «اختیار» در معنای «اختیار شده» و «برگزیده» به کار رفته و نسبتاً کهن و غیرامروزی بیان شده ـ «را»ی حرف اضافه: برای رنجی ـ اختیار است دل روبه (شیوهٔ بلاغی): مقدم‌شدن فعل بر نهاد

ادبی «دل» با این‌که در معنای حقیقی خود، یعنی «قلب» به کار رفته، اما نماد روح و جان است.

فکری معنی: شخص دیگر آمد تا دل روباه را به غارت ببرد که براساس ابیات بعدی، بردن آن به معنای کشتن و گرفتن جان روباه خواهد بود.

چو نام دل شنید از دور، روباه جهان بر چشم او شد تیره، آن‌گاه

زبانی شیوهٔ بلاغی در هر دو مصراع (مقدم‌شدن اجزای جمله بر فعل)

ادبی «تیره‌شدن جهان بر چشم» کنایه از «ترس زیاد تا سرحدّ مرگ» است.

فکری معنی: روباه می‌داند برخلاف چند اندام قبلی، غارت دل او به معنای مردن است و می‌ترسد و می‌فهمد که نباید به شیوهٔ قبلی ادامه بدهد.

به دل می‌گفت: با دل نیست بازی کنون باید به کارم حیله سازی

زبانی فعل «نیست» در معنای «وجود ندارد» آمده است و فعل غیراسنادی است./ «حیله‌سازی» ترکیب‌سازی است؛ یعنی یک واژهٔ وندی ـ مرکّب است که شاعر با خلاقیت به وجود آورده.[1] ـ شیوهٔ بلاغی (مقدم‌شدن فعل بر اجزای دیگر جمله در جملهٔ دوم و سوم) ـ فعل «باید» در متون کهن، یک ساختار و ساخت کهن است. ما امروزه «باید» را قید در نظر می‌گیریم. در این بیت «باید» فعل است و نهاد آن «حیله‌سازی» است؛ حیله‌سازی باید: حیله‌سازی لازم است.

ادبی «دل» در ابتدای مصراع مجاز از «خود» یا «وجود خود» است و «دل» دوم مجاز از «روح» یا «جان» است.

فکری مفهوم بیت اهمیت دل است. این بیت نشان می‌دهد پیام مخفی شاعر در این داستان اهمیت دل و روح انسان و برتری آن نسبت به جسم و ظاهر است.

بگفت این و به صد دستان و تزویر بجَست از دام، همچون از کمان، تیر

زبانی واژه‌های دشوار در بیت وجود دارد. («دستان» در معنای «حیله» و «تزویر» به معنای «دورویی یا فریب») ـ واژهٔ کهن «بجست» در معنای «پرید و فرار کرد» ـ کاربرد واژهٔ عربی «تزویر»

ادبی مراعات نظیر «دستان» و «تزویر» ـ مراعات نظیر «کمان» و «تیر» ـ «صد» مجاز از «مقدار زیاد» است./ تشبیه مرکب: پریدن روباه از دام به رهاشدن تیر از کمان تشبیه شده.

فکری مفهوم: فرار روباه با حیله و زرنگی از دام برای نجات جان خود با تلاش زیاد (*قُپ چرا از اول فرار نکرد؟!*)))

حدیث دل، حدیثی بس شگفت است همه عالم حدیث دل گرفته است

زبانی واژه‌های عربی: «عالم» و «حدیث»

ادبی «دل» مجاز از «روح انسان» ـ واژه‌آرایی: تکرار «حدیث» ـ «درگرفتن در عالم» کنایه از «شهرت بسیار» است.

فکری مفهوم: اهمیت زیاد دل و جنبهٔ باطنی انسان

تحلیل کلی:

زبانی ۱ زبان شعر در مجموع ساده است؛ بیشتر واژگان شعر ساختمان ساده دارند و جمله‌ها کوتاه هستند.

۲ کاربرد واژگان کهن

۳ کاربرد کم واژگان عربی

۴ کاربرد شبکهٔ معنایی و کلمات متناسب با هم (مشترک بین قلمرو زبانی و ادبی)

۵ ترکیب‌سازی در «روبه‌بازی» و «حیله‌سازی»

۶ کاربرد دستور تاریخی و جمله‌بندی‌ها و ساختارها و افعال غیر امروزی

ادبی ۱ قالب کلی شعر مثنوی است و این را از قرارگرفتن قافیه‌های متفاوت در انتهای هر دو مصراع هر بیت می‌فهمیم.

۲ آرایه‌های شعر کم است، اما در برخی ابیات مراعات نظیر، جناس و کنایه و تشبیه دیده می‌شود.

فکری ۱ شعر ظاهری داستانی دارد اما در واقع قصد پیام‌رسانی دارد.

۲ مفهوم کلی شعر اهمیت دل و برتری باطن نسبت به جسم و ظاهر است و این‌که دل گران‌بهاترین داشتهٔ انسان و جایگاه خدا است.

۳ شعر تمثیلی است و روباه نماد انسان است که باید به روح خود اهمیت دهد.

نتیجه‌گیری و تعیین نوع:

۱ شعر با مفاهیم ساده و عینی مثل «گوش» و «دندان» و «زبان» و «شکارشدن روباه» آغاز می‌شود، اما در نتیجه‌گیری معنوی، عرفانی و ذهنی می‌شود.

۲ شعر به خاطر پیام و اندرزی که در آن دارد علاوه بر داستانی‌بودن در ردهٔ ادبیات تعلیمی قرار می‌گیرد.

حالا تو بگو

عبارت‌های درست و نادرست را تعیین کنید.

۱- الف) «مرده کرد» در مصراع «پس آن‌گه مرده کرد او خویشتن را»، به معنی «کشت» به کار رفته است. ☐ ☑

ب) گفتن «اختیار است دل روبه» بیانگر این است که شکارچی دل روباه را می‌خواهد. ☐ ☑

۲- واژهٔ «حیله‌سازی» نمونه‌ای از ..... است.

۳- چرا در شعر عطار، دل ارزشمندترین داشته معرفی شده است؟

۴- مصراع «به دل روباه گفتا گر بمانم» کدام‌یک را ندارد؟

الف) نمونهٔ کاربرد دستور تاریخی ب) واژهٔ ساده پ) واژهٔ عربی

پاسخ: ۱ الف) نادرست؛ یعنی «خود را به مردن زد». ب) درست؛ «اختیار» در این‌جا یعنی «اختیارشده، برگزیده، انتخاب‌شده» ۲ ترکیب‌سازی ۳ چون جایگاه خداوند است. ۴ پ: واژهٔ عربی ندارد. «گفتا» در معنی «گفت» نمونهٔ کاربرد دستور تاریخی است و واژه‌های فارسی «دل» و «روباه» ساختار ساده دارند.

۱- البته قبل از عطار (قرن ۷ هـ . ق.)، خاقانی شروانی (قرن ۶ هـ . ق.) هم این ترکیب را به کار برده، ولی از آن‌جایی که کم‌کاربرد است، می‌توان این واژه را از ویژگی‌های زبان خود عطار دانست. بیت خاقانی:

تا کی به هوس چون سگِ تازی، تازی روباه‌صفت به حیله‌سازی، سازی

تحلیل حکایت کلیله و دمنه (مثال موجود در کتاب درسی برای بخش نثر)

چون بشناختم که آدمی، شریف‌ترِ خلایق است و قدر ایّام عمر خویش نمی‌داند، در شگفت افتادم و چون نیک بنگریستم؛ دریافتم که مانع آن، راحت اندک و نیاز حقیر است که مردمان بدان، مبتلا گشته‌اند.

زبانی متن کمی دشوار است و از سادگی فاصله گرفته. ـ کاربرد واژه‌های با ریشهٔ عربی (شریف، خلایق، قدر، ایام، عمر، مانع، راحت، حقیر و مبتلا) ـ جمله‌ها کوتاه است. ـ فعل ماضی سادهٔ «بشناختم» در معنی «فهمیدم». از نظر ساختار فعل نیز، امروزه «بـ» در آغاز فعل ماضی نمی‌آوریم و این یک مصداق کاربرد دستور تاریخی است. ـ کاربرد دستور تاریخی در ترکیب «شریف‌ترِ خلایق»؛ امروزه می‌گوییم «شریف‌ترین خلایق» ـ «در شگفت افتادم» به معنی «تعجب کردم» ـ «نیک» در معنی «دقیق و کامل» ـ «بنگریستم»: کاربرد «بـ» در فعل ماضی ساده ـ جمع‌بستن واژهٔ «مردم» با «ان»؛ امروزه واژهٔ «مردم» اسم جمع است و معمولاً جمع بسته نمی‌شود. در گذشته «مردم» به عنوان اسم مفرد و در معنی «انسان» کاربرد داشته و در نتیجه با «ان» جمع بسته شده است. ـ بدان: به آن.

ادبی «نیک بنگریستم» کنایه از این‌که «بسیار دقت کردم».

فکری مفهوم: اشاره به ارزش وجود انسان ـ اشاره به قدر عمر را ندانستن توسط اکثر انسان‌ها ـ قدر عمر را ندانستن به خاطر نیازهای مادی کم‌ارزش و آسوده‌نبودن روح انسان است.

هر که به امور دنیایی رو آورد و از سعادت آخرت خود غفلت کند، همچون آن مرد است که از پیش اُشتر مست بگریخت و به ضرورت، خویشتن در چاهی آویخت و دست در دو شاخ زد که بر بالای آن روئیده بود و پاهایش بر جایی قرار گرفت.

زبانی کاربرد واژه‌های کهن که امروزه گونهٔ دیگری به کار می‌روند (اُشتر (شتر) یا شاخ (شاخه)) ـ واژه‌های عربی (امور، دنیایی، سعادت، ضرورت، غفلت، آخرت و قرار) ـ بگریخت، کاربرد «بـ» در فعل ماضی ساده ـ در چیزی دست زد؛ امروزه می‌گوییم «دست را به چیزی گرفت».

ادبی کاربرد تشبیه و تمثیل (انسانی را که به دنیا توجه دارد، به مردی که از دست شتری فرار کند و در چاه بیفتد تشبیه می‌کند.)

فکری مفهوم: نویسنده قصد ساختن نماد دارد و می‌خواهد با این تمثیل مخاطب را نصیحت کند که خود را وابسته به دنیا نکند.

در این میان، بهتر بنگریست، هر دو پای، بر سر چهار مار بود که سر از سوراخ، بیرون گذاشته بودند. نظر بر قعر چاه افکند، اژدهایی سهمناک دید؛ دهان گشاده و افتادنِ او را انتظار می‌کرد. به سر چاه، التفات نمود. موشانِ سیاه و سپید، بیخ آن شاخ‌ها دایم می‌بریدند و او در اثنای این، تدبیری می‌اندیشید و خلاص خود را طریقی می‌جُست.

زبانی واژه‌های عربی (نظر، قعر، انتظار، التفات، اثنا، دایم، تدبیر، خلاص و طریق) ـ کاربرد واژه‌های کهن (سهمناک، بیخ) ـ کاربرد نشانهٔ جمع «ان» برای غیر انسان (موشان) ـ کاربرد «را»ی حرف اضافه: افتادن او را ← برای افتادن او، خلاص خود را ← برای خلاص خود ـ بنگریست: کاربرد «بـ» در فعل ماضی ساده ـ «نظرافکندن» به معنی «نگاه‌کردن» ـ «انتظارکردن» به معنی «انتظارکشیدن» ـ «تدبیری می‌اندیشید»، به معنی «در فکر چاره و تدبیر بود» ـ «طریقی می‌جست» در معنی «دنبال راه حلّی می‌گشت»

ادبی مارها: نماد طبع انسان ـ اژدهای قعر چاه: نماد مرگ ـ موشان: نماد گذر زمان ـ تضاد واژه‌های «سیاه» و «سفید» ـ تضاد «سر» و «قعر»

فکری مفهوم: نویسنده با نمادپردازی مرد را در چاهی تصویر می‌کند که در آن شرایط بدی دارد و عمر او در حال گذر است و هر لحظه ممکن است مرگ او فرابرسد.

پیشِ خویش، زنبورخانه‌ای و قدری شهد یافت، چیزی از آن به لب بُرد، از نوعی در حلاوت آن مشغول گشت که از کار خود غافل ماند و نه اندیشید که پای او بر سر چهار مار است و نتوان دانست که کدام وقت در حرکت آیند، و موشان در بریدن شاخ‌ها، جِدِّ بلیغ می‌نمایند و ...، چندان که شاخ بگسست و آن بیچارهٔ حریص در دهان اژدها افتاد.

زبانی کاربرد ترکیب «زنبورخانه» به جای «لانهٔ زنبور» ـ کاربرد واژهٔ کهن «شهد» در معنای «عسل» ـ واژه‌های عربی (قدر، شهد، حلاوت، مشغول، غافل وقت، حرکت، جدّ، بلیغ، و حریص) ـ کاربرد دستور تاریخی در ساخت فعل منفی با جداکردن نه (منفی‌ساز) از خود فعل: نه اندیشید ـ به کار گرفتن واژهٔ «بگسست» در معنای «بریده شد» یا «گسست» ـ «پیشِ خویش» در معنای «نزد خود» ـ «چیزی از آن» در معنای «مقداری از آن» ـ «از نوع» در معنای «به قدری» یا «به صورتی» ـ «نتوان دانست» در معنای «نمی‌توانیم بفهمیم یا نمی‌تواند بفهمد» (کاربرد دستور تاریخی) ـ «در حرکت آیند» در معنای «به حرکت درمی‌آیند» ـ «چندان که» در معنای «آن‌قدر که» یا «تا جایی‌که»

ادبی مراعات نظیر «شهد»، «حلاوت»، «شیرینی» و «زنبور» ـ «شهد» و «زنبورخانه» نماد لذت‌های دنیا

فکری معنی: آن مرد در آن شرایط سخت درگیر خوردن عسل شد و وضعیت خطرناک خود را فراموش کرد که منظور از آن فراموش‌کردن مرگ و گذر عمر به خاطر لذت‌بردن از مادیات کم‌ارزش دنیاست.

پس، من دنیا را بدان چاهِ پُر آفت، مانند کردم و موشان سپید و سیاه و مداومت ایشان بر بریدن شاخ‌ها بر شب و روز، و آن چهار مار را به طبایع که عمادِ خلقت آدمی است و هرگاه که یکی از آن در حرکت آید، زهرِ قاتل باشد، و چشیدن شهد و شیرینی آن را مانند کردم به لذّات این‌جهانی که فایدهٔ آن، اندک و رنج آن، بسیار است، و راه نجات بر آدمی، بسته می‌گرداند، و اژدها را مانند کردم به مرجعی که از آن، چاره نتواند بود؛ هر آینه بدو باید پیوست و آن‌گاه ندامت، سود ندارد و راه بازگشتن مهیّا نیست.»

کلیله و دمنه، باب برزویهٔ طبیب، با اندک تغییر و تلخیص

زبانی کاربرد واژگان عربی نسبتاً زیاد است. (مداومت، طبایع، عماد، خلقت، حرکت، قاتل، شهد، لذات، فایده، نجات، مرجع، ندامت و مهیّا) ـ جمله‌بندی‌ها کمی دشوار و طولانی است. ـ کاربرد واژهٔ «قاتل» در معنای کشنده برای غیر انسان که امروزه غیرمعمول است. ـ حذف فعل «است» به قرینهٔ لفظی (فایدهٔ آن اندک ...) ـ کاربرد عبارت کهن «هر آینه» در معنای «حتماً» ـ «مانند کردم» در معنای «تشبیه کردم» ـ ساختار کهن «بدان» برای «به آن» امروزی ـ ساختار کهن «در حرکت آید» به جای «به حرکت دربیاید» ـ ترکیب‌سازی: «این‌جهانی» (واژهٔ وندی ـ مرکّب) در معنای «دنیوی» ـ کاربرد ساختار کهن «بسته می‌گرداند» به جای «می‌بندد» امروزی ـ ساختار کهن «از آن چاره نتواند بود» به جای «از آن چاره‌ای نیست» یا «چاره‌ای برای گریز از آن نیست» ـ ساختار کهن «بدو» به جای «به او»

ادبی کاربرد واژه‌های متناسب و آرایهٔ مراعات نظیر (موش، مار، اژدها) ـ کاربرد آرایهٔ تضاد (شب و روز یا سیاه و سپید) ـ «راه نجات» اضافهٔ تشبیهی است. ـ کاربرد تشبیه که در توضیحات تمثیل نویسنده آن را بیان کرد: تشبیه دنیا به چاه، تشبیه طبایع خلقت (اخلاط اربعه، چهار مایع بدن که در طب سنتی اساس اعتدال مزاج بوده‌اند، شامل سودا، صفرا، بلغم و خون) به مارها، تشبیه مرگ به اژدها ـ «مرجع» (بازگشت‌گاه) مجاز از «مرگ» است.

فکری نویسنده در این بخش ابتدا نمادها و مفاهیم تمثیل را شرح می‌دهد و پیام خود را واضح می‌کند. ـ پیام اصلی متن که در نتیجه‌گیری و پایان متن آمده، این است که باید از لذت‌های دنیایی و دنیاطلبی دور شویم. نویسنده با این تمثیل‌ها بیان می‌کند که نعمت‌های دنیا فایده و ارزش کمی دارند، اما رنج و دردسر بسیار به همراه می‌آورند.

تحلیل کلی متن:

خوانش: در خوانش باید لحن متناسب را با چشم‌خوانی انتخاب کنیم که در این‌جا لحنی روایی و تعلیمی و جدی دارد.

زبانی ۱ متن جملات کوتاه و قابل‌فهم دارد، اما نمی‌توان گفت کاملاً ساده است.

۲ واژه‌های کهن که امروزه به گونه‌ای دیگر به کار می‌روند، به کار رفته است مثل «اُشتر»، «شاخ»، «بنگریست»، «نتوان دانست».

۳ دستور تاریخی در ساخت جمله‌ها و افعال دیده می‌شود.

۴ واژگان با ریشهٔ عربی در متن زیاد است.

ادبی ۱ بارزترین نکتهٔ ادبی متن تمثیل آن است.

۲ وجود آرایه‌های مراعات نظیر و تشبیه و کنایه و تضاد

فکری ۱ متن کاملاً پیامی اخلاقی و اندرزی دارد: دل‌کندن از مادیات و توجه به معنویات و مرگ

۳ نگاه خوش‌بینانهٔ نویسنده به ارزش انسان و انتقاد از دل‌بستن به خوشی‌های مادی

۴ پیام‌هایی چون شریف‌بودن انسان، اهمیت عمر و پرهیز از خوشی‌های زودگذر در متن وجود دارد.

نتیجه‌گیری و تعیین نوع: ۱ متن در دستهٔ آثار تعلیمی و اندرزی قرار می‌گیرد. البته روایی یا داستانی هم هست.

۲ نویسنده با ساخت یک تمثیل به مخاطب درسی می‌دهد که قدر عمر خود را بداند و به دنیا و مادیات زیاد وابسته نشود، مبادا که از مرگ و آخرت غافل شود.

توجه: با مطالعهٔ مرحلهٔ «نتیجه‌گیری و تعیین نوع» این متن در کتاب درسی متوجه می‌شویم که اغلب نکات همان نکات قلمرو فکری هستند که با ادبیات دیگری تکرار شده‌اند؛ پس می‌توان گفت در مرحلهٔ پنجم باید بیشتر بر مباحث قلمرو فکری تمرکز کنیم و به طور خلاصه آن‌ها را جمع‌بندی و بیان کنیم.

حالا تو بگو

عبارت‌های درست و نادرست را تعیین کنید.

۱- الف) واژه‌های عربی در «کلیله و دمنه» نسبتاً زیاد است. ☑ ☒

ب) «را» در «خلاص خود را طریقی می‌جست»، «را»ی فک اضافه است. ☐ ☐

۲- کلیله و دمنه در دستهٔ آثار ..... یا ..... جای می‌گیرد.

۳- مقصود از تمثیل مرد گریزان از اشتر مست که در چاه رفت، چه بود؟

۴- نکتهٔ مربوط به کدام جفت‌واژه‌ها مربوط به قلمرو ادبی است؟

الف) زنبورخانه ـ اشتر　　ب) شهد ـ حلاوت　　پ) موشان ـ بگسست

پاسخ: ۱ الف) درست ب) نادرست؛ حرف اضافه است: برای خلاص خود ... ۲ تعلیمی یا اندرزی ۳ انسانی که به لذات زودگذر بپردازد، از خطرات غافل می‌شود. ۴ ب: مراعات نظیر (تناسب) دارند. بقیهٔ موارد مربوط به قلمرو زبانی است.

تمرین با مثال کتاب

با توجه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید:

«نهنگی بچهٔ خود را چه خوش گفت — به دین ما حرام آمد کرانه
به موج آویز و از ساحل بپرهیز — همه دریاست ما را آشیانه»

۱- دو ویژگی زبانی ابیات را بنویسید.

۲- با توجه به قافیه و آگاهی از این‌که شعر در همین دو بیت سروده شده است، قالب آن را بنویسید.

۳- در هر بیت یک آرایهٔ ادبی بیان کنید.

۴- نوع را در مصراع اول و آخر چیست؟

۵- پیام اصلی این دو بیت برای مخاطب چیست؟

۶- این اثر در کدام نوع ادبی قرار می‌گیرد؟

پاسخ ۱ سادگی جملات ـ کوتاهی جملات ـ بیشتر واژگان فارسی و ساده هستند. ـ کاربرد بسیار کم واژه‌های عربی (واژهٔ «حرام» عربی است.) ـ واژهٔ «کرانه» امروزه زیاد کاربرد ندارد و در شعر در معنای «ساحل» به کار رفته.

۲ قالب قطعه (واژه‌های قافیه در پایان مصراع‌های زوج آمده‌اند.)

۳ بیت اول) تشخیص (دادن ویژگی انسانی سخن‌گفتن به نهنگ و دین و آیین داشتن نهنگ‌ها) ـ بیت دوم) مراعات نظیر: موج، ساحل و دریا

۴ در مصراع اول: حرف اضافه یا متمّمی (به بچهٔ خود گفت) ـ در مصراع دوم: فک اضافه (ما را آشیانه، آشیانهٔ ما)

۵ همیشه در تلاش بودن، شرط زندگی واقعی در حرکت بودن و تلاش‌کردن است.

۶ تعلیمی و اندرزی با لحن روایی؛ شاعر با تمثیل گفت‌وگوی نهنگ با بچه‌اش، ما انسان‌ها را دعوت به تلاش کرده و قصد آموختن به مخاطب را دارد.

تمرین با مثال بیرون کتاب

ابیات زیر را که از یک غزل حافظ انتخاب شده‌اند، در هر سه قلمرو تحلیل کنید. (هر قلمرو دو مورد)

«گل در بر و می در کف و معشوق به کام است — سلطان جهانم به چنین روز غلام است
گو شمع میارید در این جمع که امشب — در مجلس ما ماه رخ دوست تمام است
از چاشنی قند مگو هیچ و ز شکّر — زان رو که مرا از لب شیرین تو کام است
حافظ منشین بی می و معشوق زمانی — کایّام گل و یاسمن و عید صیام است»

پاسخ **قلمرو زبانی** ۱ واژگان نسبتاً ساده انتخاب شده‌اند و جملات راحت فهمیده می‌شوند. ۲ استفاده از واژگان عربی نسبتاً زیاد است. (کف، معشوق، سلطان، غلام، ایام و صیام، شمع، جمع، مجلس، تمام، قند، زمان، عید) ۳ کاربرد گونهٔ کهن فعل در «میارید»، «مگو» و «منشین» ۴ تلفظ متفاوت «شکّر» ـ («ک»، مشدّد است.) ۵ ضمیر «م» در بیت اول مضافٌ‌الیه «غلام» است، ولی به «جهان» متصل شده است. ۶ «را»ی حرف اضافه در بیت سوم (را: برای من)

قلمرو ادبی ۱ کاربرد تخلص «حافظ» در بیت آخر ۲ اغراق در بیت اول و البته همراهی آن با پارادوکس (سلطان جهان، غلام من است.) ۳ تشبیه پنهان «رخ یار» به «ماه» و «شمع» در بیت دوم و «لب یار» به «قند» و «شکر» در بیت سوم ۴ در مصراع آخر شعر «گل و یاسمن» مجاز از «بهار» است.

قلمرو فکری ۱ فضای کلی شعر شاد و بیانگر لذت وصال عاشقانه است. ۲ شاعر شادی و همراهی با معشوق را شرط سعادت در دنیا می‌داند. ۳ شعر غنایی است و به عشق زمینی اشاره دارد.

خودارزیابی

۱- مفهوم «متن» را با ذکر دو مثال توضیح دهید.

پاسخ هر چیز که ذهن ما را به پویایی درآورد متن است. با این دیدگاه هر چه معنایی برای ما داشته باشد می‌تواند متن محسوب شود. لباسی که می‌پوشیم، گلی که می‌بوییم، عکسی که به آن نگاه می‌کنیم و البته آثار نظم و نثر ادبیات مثال‌های آن هستند.

۲- یکی از آسان‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه‌ها در بررسی و تحلیل متن چیست؟

پاسخ از آسان‌ترین و کاربردی‌ترین روش‌های تحلیل متن، بررسی آن از سه دیدگاه «زبانی، ادبی و فکری» است.

(در قلمرو زبانی جنبهٔ ساختاری واژگان و جمله‌ها و دستور زبان را بررسی می‌کنیم. در قلمرو ادبی به جنبه‌های زیبایی‌شناسی مثل آرایه‌ها و وزن و قافیه و ردیف می‌پردازیم و در قلمرو فکری معنی و مفهوم و پیام متن را تحلیل می‌کنیم.)

۳- با توجه به قلمرو فکری، دیدگاه خود را دربارهٔ محتوا و موضوع سرودهٔ زیر بنویسید.

آب را گل نکنیم؛
در فرودست انگار،
کفتری می‌خورد آب
یا که در بیشهٔ دور،
سیره‌ای پَر می‌شوید
یا در آبادی،
کوزه‌ای پُر می‌گردد.
آب را گل نکنیم؛
شاید این آب روان،
می‌رود پای سپیداری،
تا فرو شوید اندوهِ دلی؛
دست درویشی شاید،
نان خشکیده فروبرده در آب ... .

«سهراب سپهری»

پاسخ شعر در دستهٔ آثار تعلیمی می‌گنجد (شاعر به ما یک توصیهٔ اخلاقی می‌کند) و می‌تواند جنبهٔ عرفانی هم داشته باشد.

- اثری طبیعت‌گرا و برون‌گراست و به موضوعات عینی اشاره دارد (آب، کفتر، بیشه و ...).
- مفهوم شعر احترام به طبیعت، موجودات و سایر انسان‌ها و حفظ محیط زیست است.
- دیدگاه شاعر این است که ما در برابر موجودات و حیوانات و گیاهان هم مسئولیت داریم.
- اشاره به فقر که جنبهٔ اجتماعی دارد.

۴- در خوانش دقیق شعر زیر به چه نکاتی باید توجه کرد؟

نهنگی بچهٔ خود را چه خوش گفت، به دین ما حرام آمد کرانه
به موج آویز و از ساحل بپرهیز همه دریاست ما را آشیانه

«اقبال لاهوری»

پاسخ شعر به یک داستان کوتاه مانند است و در خوانش باید لحن روایی و روایت داستان داشته باشیم. ـ با توجه به پیام تعلیمی آن باید لحن آرام انتخاب شود تا مخاطب مفهوم و پیام را درک کند. ـ قبل از خوانش باید نگاه کلی به شعر انداخت تا لحن مناسب برای خوانش انتخاب شود.

تحلیل کامل شعر:

زبانی کاربرد «را»ی حرف اضافه در مصراع اول (در معنای «به») و «را»ی فکّ اضافه در مصراع چهارم (آشیانهٔ ما) ـ کاربرد واژه‌های ساده و همه‌فهم ـ استفادهٔ کم از واژگان عربی (حرام) ـ جمله‌بندی کوتاه ـ کاربرد واژهٔ کهن «کرانه» به جای ساحل ـ کاربرد فعل «آمد» به عنوان فعل اسنادی (در معنی «شد») ـ شیوهٔ بلاغی در مصراع دوم هر دو بیت (مقدّم‌شدن فعل بر دیگر اجزای جمله)

ادبی تمثیل دارد و نهنگ‌ها تمثیلی از انسان، دریا تمثیل زندگی و موج تمثیلی از سختی‌های زندگی و ساحل تمثیلی از مرگ و از تلاش دورشدن است. ـ آرایهٔ تشخیص (گفت‌وگوی نهنگ‌ها) ـ تشبیه دریا به آشیانه ـ قالب شعر قطعه است.

فکری شعر در قالب یک تمثیل، پیامی برای انسان‌ها دارد و در دستهٔ آثار تعلیمی است. ـ مفهوم شعر این است که انسان باید همیشه در تلاش باشد و تلاش‌نکردن مساوی مرگ است.

۵- سرودهٔ زیر را بخوانید و با توجه به قلمرو ادبی، «کنایه، تشبیه، تشخیص، مَثَل و مراعات نظیر» را شناسایی کنید.

هر که زین گلشن، لبی خندان‌تر از گل بایدش خاطری فارغ ز عالم چون توکل بایدش
خرده‌ای از مال دنیا در بساط هر که هست جبههٔ واکرده‌ای پیوسته چون گل بایدش
هر که می‌خواهد که از سنجیده گفتاران شود بر زبان بند گرانی از تأمل بایدش
صبر بر جور فلک کن تا برآیی روسفید دانه چون در آسیا افتد تحمل بایدش
قطرهٔ آبی که دارد در نظر گوهرشدن از کنار ابر تا دریا تنزّل بایدش

«صائب تبریزی»

پاسخ **کنایه:** ۱ «جبهه‌ای واکرده داشتن»، کنایه از خوش‌برخورد بودن ۲ «روسفید» کنایه از موفق یا پیروز ۳ «در نظر داشتن» کنایه از هدف‌داشتن، به سوی چیزی حرکت‌کردن ۴ «گوهرشدن» کنایه از پیشرفت‌کردن

تشبیه: ۱ بیت اول: لبی خندان‌تر از گل: تشبیه «لب» به «گل» ۲ بیت دوم: تشبیه «هر که مال دنیا دارد» به «گل» ۳ بیت سوم: تشبیه «تأمل» (فکر) به «بند گران و سنگین»

تشخیص: ۱ بیت اول: خندان‌بودن گل ۲ بیت دوم: برای گل جبهه (پیشانی) در نظر گرفتن ۳ بیت چهارم: نسبت‌دادن تحمل به دانه ۴ بیت پنجم: به قطرهٔ آب ویژگی به فکر پیشرفت‌بودن را داده

مَثَل: در مصراع دوم بیت چهارم از مثل استفاده شده تا سخن شاعر در مصراع اول با تأکید تکرار شود: دانه چون در آسیا افتد تحمل بایدش.

مراعات نظیر: ۱ گلشن و گل ۲ دانه و آسیا ۳ قطره، آب، ابر، دریا

تحلیل شعر:

قلمرو زبانی ـ زبان شعر ساده و جمله‌ها نسبتاً کوتاه هستند.

ـ کاربرد زیاد واژه‌های عربی: توکل، خاطر، فارغ، عالم، بساط، تأمّل، جبهه، صبر، جور، فلک، تحمل، قطره، نظر، تنزّل

ـ کاربرد جمله‌بندی کهن و غیرامروزی: «بایدش» به جای «برای او لازم است» در تمام ابیات

قلمرو ادبی ـ قالب شعر غزل است.

ـ ردیف شعر از دو واژهٔ «باید» و ضمیر «ش» تشکیل شده.

ـ به‌جز آرایه‌های توضیح داده شده، آرایهٔ استعاره هم در چند بیت مشهود است: (گلشن: دنیا)، (بساط: دارایی)

ـ کاربرد آرایهٔ مجاز: (عالم: مادیات)، (زبان: گفتار)، (فلک: تقدیر و سرنوشت)

قلمرو فکری ـ شعر در اغلب ابیات تعلیمی است و شاعر توصیه‌ها و نصیحت‌هایی برای مخاطب خود دارد.

ـ شاعر چند فضیلت اخلاقی و دینی مثل توکل، صبوری یا تواضع را می‌ستاید.

مفهوم ابیات: بیت اول: دل‌نبستن به دنیا باعث شادی است، توکل به خدا

بیت دوم: دعوت به آرامش و خوش برخورد بودن

بیت سوم: تفکر قبل از سخن‌گفتن ما را به فردی نیک‌گفتار تبدیل می‌کند.

بیت چهارم: لزوم صبوری در برابر سختی‌ها

بیت پنجم: تواضع و فروتنی انسان را به اهداف و پیشرفت نزدیک می‌کند.

بر پایهٔ بررسی‌های انجام‌شده و تأکید درون‌مایهٔ اثر، این نوشته را نمونه‌ای از متن تعلیمی یا اندرزی می‌توان به شمار آورد.

۶- با توجه به متن زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

شنیدم که خلیفه‌ای خوابی دید، بر آن جمله که پنداشتی که همه دندان‌های او بیرون افتادی به یک بار؛ بامداد، خواب‌گزاری را بخواند و پرسید که: تعبیر این خواب چیست؟

معبّر گفت: زندگانی امیر، دراز باد، همهٔ اقربای تو پیش از تو بمیرند، چنان که کس از تو بازنماند.

خلیفه گفت: این مرد را صد چوب بزنید، چرا بدین دردناکی سخن اندر روی من بگفت؟! چه اگر همهٔ اقربای من پیش از من بمیرند، پس آن‌گاه، من که باشم؟!

خواب‌گزاری دیگر بیاوردند. همین خواب با وی بگفت.

خواب‌گزار گفت: بدین خواب که امیر گفت، دلیل کند که خداوند، دراز زندگانی‌تر از همهٔ اقربای خویش بود.

خلیفه گفت: تعبیر از آن بیرون نشد (سخن همان است)، اما از عبارت تا عبارت، بسیار فرق است. این مرد را صد دینار بدهید. «قابوس‌نامه»

الف) دو ویژگی زبانی را استخراج کنید.

ب) چه عاملی سبب شد خلیفه، رفتاری متفاوت با دو خواب‌گزار داشته باشد؟

پاسخ **الف** ویژگی‌های زبانی: ۱ زبان متن به جهت کهن‌بودن و انتخاب واژگان کمی دشوار است.

۲ جمله‌ها نسبتاً کوتاه هستند.

۳ وجود واژگان کهن فارسی مثل «بامداد»، «خواب‌گزار» و «اندر»

۴ بیشتر افعال با شکل امروزی خود تفاوت دارند («پنداشتی» به جای «می‌پنداشت»، «افتادی» به جای «می‌افتاد»، «بمیرند» به جای «می‌میرند»).

۵ کاربرد واژگان عربی (خلیفه، تعبیر، اَقربا، امیر، خلیفه، مُعَبِّر، دلیل، عبارت، فرق)

۶ کاربردهای دستوری کهن: پنداشتی (می‌پنداشت) ـ افتادی (می‌افتاد) ـ بخواند (خواند، احضار کرد) ـ بازنماند (باقی نماند) ـ بگفت (گفت) ـ فعل دعایی «باد» در معنی «باشد» ـ چه اگر (چراکه اگر) ـ دلیل کند (دلالت می‌کند) ـ تعبیر بیرون نشد (سخن همان است)

۷ ترکیب‌سازی (درازندگانی‌تر)

۸ «را»ی حرف اضافه، (این مرد را ← به این مرد)

ب واژگان انتخابی و نوع و شیوهٔ بیان دو خواب‌گزار دلیل رفتار متفاوت خلیفه با آن دو بود.

خواب‌گزار اول به مرگ عزیزان خلیفه، قبل او اشاره کرد (دیدگاه و بیان منفی)، اما خواب‌گزار دوم با بیان و لفظ مثبت، خواب را تعبیر کرد و بدون بیان مرگ عزیزان گفت عمر خلیفه از اطرافیانش بیشتر است.

تحلیل متن: **قلمرو ادبی** ـ قالب متن حکایت و داستان کوتاه است. ـ کاربرد کنایه «من که باشم» در معنای «زندگی من ارزشی نخواهد داشت».

قلمرو فکری ـ نویسنده در قالب داستان پیامی اندرزی برای ما دارد؛ پس متن روایی و تعلیمی است.

ـ مفهوم متن لزوم توجه به انتخاب واژگان در هنگام صحبت و مثبت‌اندیشی است.

ـ نویسنده به ما یادآور می‌شود یک مفهوم واحد می‌تواند با بیان متفاوت، نگرش‌های مختلف و متفاوتی را در نگاه انسان ایجاد کند و به ما می‌فهماند که باید همیشه از بیان مثبت و مناسب بهره بگیریم.

۷- حکایت زیر را بخوانید و آن را از دید قلمرو ادبی و فکری بررسی کنید.

«روزی شخصی پیش بهلول، بی‌ادبی نمود. بهلول او را ملامت کرد که چرا شرط ادب به جا نیاوردی؟

او گفت: چه کنم؟ آب و گل مرا چنین سرشته‌اند.

گفت: آب و گل تو را نیکو سرشته‌اند، اما لگد کم خورده است!». «لطایف‌الطوایف»

پاسخ **قلمرو ادبی** ـ قالب متن روایی و داستان کوتاه است. ـ کاربرد آرایهٔ کنایه: «لگدخوردن» کنایه از «تربیت‌شدن» ـ «آب و گل» مجاز از «ذات و وجود انسان» ـ کاربرد شبکهٔ معنایی «آب» و «گل»

قلمرو فکری ـ متن در دستهٔ آثار تعلیمی می‌گنجد. ـ نویسنده در این متن نوع تفکر و دیدگاه خود دربارهٔ تربیت انسان‌ها را بیان کرده. ـ مفهوم متن لزوم اهمیت‌دادن به تربیت است و آن را باعث پایبندی به ادب می‌داند.

تحلیل متن: **قلمرو زبانی** ـ متن ساده است و جمله‌های آن کوتاه هستند. ـ کاربرد واژگان عربی: ملامت، شرط و شخص، ادب ـ کاربرد واژهٔ «سرشته‌اند» در معنای «خلق کرده‌اند، پرورش داده‌اند»

معرفی قالب‌های شعری براساس شکل قرارگیری قافیه

غزل و قصیده

- مصراع اول با مصراع‌های زوج هم‌قافیه است.
- تفاوت غزل و قصیده در محتوا و تعداد ابیات است.
- غزل غالباً عاشقانه و عارفانه است. قصیده غالباً مدحی یا تعلیمی است.
- غزل غالباً ۵ تا ۱۵ بیت دارد. قصیده از حدود ۱۵ بیت شروع می‌شود.

قطعه

- مصراع‌های زوج هم‌قافیه هستند.
- دست کم دو بیت است.

ترجیع‌بند

غزل/ قصیده ← بند

بیت تکراری ← ترجیع

غزل/ قصیده ← بند

بیت تکراری ← ترجیع

- شامل تعدادی بند با ساختار غزل یا قصیده و یک بیت تکراری در پایان هر بند است.

مسمّط

- شامل تعدادی بند با ۵ یا ۶ مصراع است. تمام مصراع‌های هر بند هم‌قافیه هستند. مصراع پایان همهٔ بندها قافیهٔ جداگانه و مشترک دارند.

ترکیب‌بند

غزل/ قصیده ← بند

بیت متفاوت

غزل/ قصیده ← بند

بیت متفاوت

- شامل تعدادی بند با ساختار غزل یا قصیده و یک بیت متفاوت در پایان هر بند است.

رباعی و دوبیتی

- شامل دو بیت هستند که مصراع‌های اول و دوم و چهارم آن‌ها هم‌قافیه هستند.
- تفاوت مهم رباعی و دوبیتی در وزن آن‌هاست.

کافی است دقت کنیم که رباعی با هجای بلند آغاز می‌شود و دوبیتی با هجای کوتاه. (با انواع هجاها در درس پنجم آشنا می‌شوید.)

مثنوی

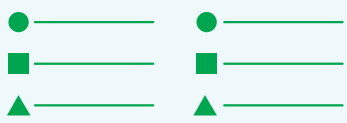

- هر بیت قافیه‌ای جداگانه دارد.
- غالباً برای سرودن منظومه‌های بلند از این قالب استفاده می‌شود.

چهارپاره

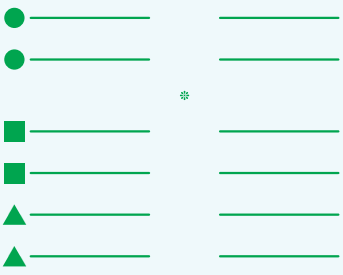

- مصراع‌های زوج هر دو بیت متوالی هم‌قافیه هستند.
- این قالب، در شعر معاصر رواج یافته است.

سؤال‌های امتحانی

الف) عبارت‌های درست و نادرست را تعیین کنید.

۱- نخستین گام مؤثر در رویارویی با متون، خواندن دقیق متن است.
۲- نگاهی جزئی به متن از آغاز تا انجام برای کشف لحن و آهنگ ضروری است.
۳- اگر تمام اثر یکباره و بی‌گسست خوانده شود، درک ارتباط طولی و فهم محتوایی دچار اختلال می‌شود.
۴- هر چیزی که ذهن ما را به پویایی درآورد، «سخن» است.
۵- تشخیص قالب شعر در حوزهٔ شناسایی و استخراج نکات فکری است.
۶- کتاب‌ها فقط متن‌های شنیداری یا خوانداری هستند.
۷- استشمام عطر گل‌ها، یک متن به شمار می‌آید.
۸- در بیت مقابل رابطهٔ معنایی واژگان مشخص‌شده «تضاد» است. «پیدا بسی بجُستمت اما نیافتم/ اکنون مرا بگو که نهان، از که جویمت؟»
۹- کوتاهی جملات و سادگی زبان شعر در «مرحلهٔ شناسایی و استخراج نکات ادبی» بیان می‌شود.
۱۰- هنگامی که از متن سخن می‌گوییم، خواست ما فقط نوشته‌های روی کاغذ و کتاب است.
۱۱- یکی از آسان‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه‌های شناخت و ارزیابی متون، بررسی آن از دیدگاه زبان، ادبیات و فکر است.
۱۲- باب برزویهٔ طبیب، بخشی از الهی‌نامهٔ عطار نیشابوری است.
۱۳- طبقه‌بندی انواع ادبی به حماسی، غنایی، تعلیمی و نمایشی، جنبهٔ ساختاری دارد.
۱۴- «گازر» از نمونه‌های کاربرد تاریخی دستور است.

ب) جاهای خالی را با واژه‌های مناسب کامل کنید.

۱۵- متنی را که به ما داده شده، یک بار از نظر می‌گذرانیم، به این مرحله ..... گفته می‌شود.
۱۶- بازخوانی متن از دید تناسب معنایی همچون تضاد، ایهام و مراعات نظیر در سطح قلمرو ..... بررسی می‌شود.
۱۷- کتاب‌ها معمولاً متن‌های ..... به شمار می‌آیند. اگر خوانده شوند، به آن‌ها متن‌های ..... یا ..... می‌گوییم.
۱۸- در کتاب درسی مقصود از متن، آثار ..... و ..... فارسی است.
۱۹- قدیم‌ترین طبقه‌بندی انواع ادبی در ..... صورت گرفته است، این تقسیم‌بندی بیشتر مبتنی بر ..... بود و جنبهٔ ..... داشت.
۲۰- شعر با مطلع (بیت نخست) «به دام افتاد روباهی سحرگاه» ..... سرودهٔ ..... و برگرفته از کتاب ..... است.
۲۱- پس از شناسایی لحن مناسب با حال و هوای محتوای اثر، ..... اتفاق می‌افتد.
۲۲- ..... نخستین گام مؤثر در رویارویی با متون است.
۲۳- عطار در شعر تمثیلی «روباه و شکارچی» گرانبهایی دل را به این سبب می‌داند که جایگاه ..... است.

پ) پاسخ درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

۲۴- تعیین نوع ادبی متن، مربوط به مرحلهٔ (استخراج نکات ادبی ـ نتیجه‌گیری) است.
۲۵- پس از خوانش شعر، تعیین قالب شعر مربوط به مرحلهٔ (استخراج نکات ادبی ـ استخراج نکات زبانی) است.
۲۶- آهنگ‌ها، متن‌های (خوانداری ـ دیداری ـ شنیداری) به شمار می‌آیند.
۲۷- ویژگی قسمت مشخص‌شده در بیت «به دام افتاد روباهی سحرگاه/ به روبه‌بازی اندیشید در راه» (کاربرد تاریخی دستور ـ ترکیب‌سازی ـ وجود واژگان کهن) است.
۲۸- واژگان مشخص‌شده در بیت «زبانش را بُرید آن مرد، ناگاه/ نکرد از بیم جان، یک ناله روباه» دارای ساختمان (ساده ـ غیرساده) هستند.
۲۹- مرحلهٔ «چشم‌خوانی» در متون نثر (پیش ـ پس) از خوانش متن اتفاق می‌افتد.
۳۰- مشخص کنید هر یک از موارد زیر، چه نوع متنی هستند؟

الف) موسیقی:　　ب) بوی خاک باران‌خورده:

۳۱- شعر زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید.

آسمانش را گرفته تنگ در آغوش
ابر با آن پوستین سردِ نمناکش
باغ بی‌برگی
روز و شب تنهاست،
با سکوت پاک غمناکش
ساز او باران، سرودش باد

«مهدی اخوان ثالث»

الف) دو ویژگی زبانی سروده را بنویسید.
ب) از دیدگاه ادبی سروده را بررسی کنید.
پ) محتوای کلی سروده را از دیدگاه فکری بنویسید.

۳۲- موارد داده‌شده را در خانهٔ قلمرو مناسب خود قرار دهید.

«کمی واژگان غیرفارسی، بهره‌گیری از تمثیل، جدانویسی نشانهٔ منفی‌ساز فعل، هوشیاری و پرهیز از خوشی‌های زودگذر»

شناسایی و استخراج نکات زبانی	شناسایی و استخراج نکات ادبی	شناسایی و استخراج نکات فکری
.....	.....	.....

۳۳- در کدام گزینه کاربرد تاریخی «را» وجود دارد؟ دلیل خود را بنویسید.

الف) اژدها را مانند کردم به مرجعی که از آن، چاره نتواند بود. ب) او در اثنای این، تدبیری اندیشید خلاص خود را طریقی می‌جُست.

۳۴- هر یک از قسمت‌های مشخص‌شده، مربوط به کدام سطح تحلیل متن (زبانی، ادبی و فکری) است؟

الف) و موشان در بریدن شاخ‌ها، جدّ بلیغ می‌نمایند. (.....)

ب) پیش خویش، زنبورخانه‌ای و قدری شهد یافت، چیزی از آن به لب بُرد، از نوعی در حلاوت آن مشغول گشت. (.....)

پ) چون بشناختم که آدمی، شریف‌تر خلایق است و قدر ایّام خویش نمی‌داند، در شگفت افتادم. (..... و .....)

۳۵- مفهوم کلی هر یک از بیت‌های زیر را بنویسید.

الف) صبر بر جور فلک کن تا برآیی روسفید دانه چون در آسیا افتد، تحمّل بایدش

ب) هرکه می‌خواهد که از سنجیده‌گفتاران شود بر زبان، بندگرانی از تأمّل بایدش

پ) چون در رهت یقین و گمانی همی‌رود ای برتر از یقین و گمان، از که جویمت؟

۳۶- هر بیت از ستون الف را به ویژگی مرتبط در ستون ب وصل کنید.

ستون «الف»		ستون «ب»
۱- آمد بهار خرّم با رنگ و بوی طیب	با صد هزار نزهت و آرایش عجیب	الف) فعل با ساختار دستور تاریخی
۲- کنجی که برف همی‌داشت گل گرفت	هر جو یکی که خشک همی‌بود شد رطیب	ب) واژه‌های عربی نسبتاً زیاد
۳- صُلصُل به سروبن بر با نغمهٔ کهن	بلبل به شاخ گل بر با لحنک غریب	پ) دو حرف اضافه برای یک متمّم

۳۷- متن زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید:

«امّا مردم بیگانه را هر روز مهمان مکن؛ بنگر تا یک ماه چند بار مهمانی توان کردن، آن که سه بار توانی کردن، یک بار کن و آن سه اندر او خرج کن تا خوان تو از همه عیبی مبرّا بود و زبان عیب‌جویان بر تو بسته باشد و پس اگر مهمان شوی، مهمان هر کسی مشو که حشمت را زیان دارد.» «قابوس‌نامه»

الف) «را» در این عبارات از کدام نوع است؟

ب) فعل‌های دارای ساختار دستور تاریخی را مشخص کنید و معادل امروزی آن‌ها را بنویسید.

پ) یک کنایه در این متن بیابید.

ت) نوع ادبی متن را با ذکر دلیل بیان کنید.

۳۸- با توجه به شعر «روباه و شکارچی» از الهی‌نامهٔ عطار، از نظر شاعر، در بیت زیر، کدام نکتهٔ فکری نهفته است؟

«به دل می‌گفت: با دل نیست بازی کنون باید به کارم حیله سازی»

۳۹- با توجه به بخشی از حکایت زیر از کلیله و دمنه، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«پس، من دنیا را بدان چاه پُر آفت، مانند کردم و موشان سپید و سایه و مداومت ایشان بر بریدن شاخ‌ها بر شب و روز، و آن چهار مادر را به طبایع که عمادِ خلقت آدمی است و هرگاه که یکی از آن در حرکت آید، زهر قاتل باشد و چشیدن شهد و شیرینی آن را مانند کردم به لذّات این‌جهانی که فایدهٔ آن، اندک و رنج آن، بسیار است و راه نجات بر آدمی، بسته می‌گرداند، و ...»

الف) دو مورد از نکات زبانی متن را بیابید و بنویسید.

ب) کدام واژه در معنای «عسل» آمده است؟

پ) نویسنده در متن، نسبت به خوشی‌های مادی و لذت‌های زودگذر، نگرش (منفی ـ مثبت) دارد.

۴۰- حکایت زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«شنیدم که خلیفه‌ای خوابی دید، بر آن جمله که پنداشتی که همه دندان‌های او بیرون افتادی به یک بار؛ بامداد، خواب‌گزاری را بخواند و پرسید که: «تعبیر این خواب چیست؟»

معبّر گفت: «زندگانی امیر، دراز باد؛ همهٔ اقربای تو پیش از تو میرند، چنان که کس از تو بازنماند.»

خلیفه گفت: «این مرد را صد چوب بزنید؛ چرا بدین دردناکی سخن اندر روی من بگفت؟ چه اگر همهٔ اقربای من پیش از من بمیرند، پس آن‌گاه، من که باشم؟»

خواب‌گزاری دیگر بیاوردند. همین خواب با وی گفت.

خواب‌گزار گفت: «بدین خواب که امیر گفت، دلیل کند که خداوند، دراز زندگانی‌تر از همهٔ اقربای خویش بُود.»

خلیفه گفت: «تعبیر از آن بیرون نشد (سخن همان است)؛ اما از عبارت تا عبارت، بسیار فرق است؛ این مرد را صد دینار بدهید.» «قابوس‌نامه»

الف) نوع حرف «را» را در جمله‌های مشخص‌شده بنویسید.

ب) بررسی کاربرد واژه‌های «بیاوردند، اندر و بگفت» با کدام عنوان در استخراج نکات زبانی، صورت می‌گیرد؟

پ) علت تنبیه خواب‌گزار اول و تشویق خواب‌گزار دوم چیست؟

۴۱- با توجه به حکایت زیر، برای موارد خواسته‌شده پاسخ درست بنویسید.

«خویشتن در چاهی آویخت و دست در دو شاخ زد که بر بالای آن روئیده بود و پاهایش بر جایی قرار گرفت. در این میان، بهتر بنگریست، هر دو پای، بر سر چهار مار بود که سر از سوراخ، بیرون گذاشته بودند. نظر بر قعر چاه افکند، اژدهایی سهمناک دید؛ دهان‌گشاده و افتادنِ او را انتظار می‌کرد. به سر چاه، التفات نمود.»

الف) یک جفت‌واژهٔ «متضاد» بیابید.

ب) دو مورد کابرد کهن واژگان، در متن بنویسید.

۴۲- در بیت:

«چون نخواهی کت ز دیگر کس جگر خسته شود　　دیگران را خیره خیره دل چرا باید خَلید»　　«ناصر خسرو»

الف) یک مورد کاربرد کهن واژگان بیابید و بنویسید.

ب) مفهوم کنایهٔ به‌کاررفته در مصراع اول را بنویسید.

پ) یک ساختار دستوری کهن در مصراع نخست بیابید.

۴۳- بیت:

«نیک‌خو گفته است یزدان، مَر رسول خویش را　　خوی نیک است ای برادر، گنج نیکی را کلید»　　«ناصر خسرو»

را از نظر ویژگی‌های ادبی بررسی کنید.

۴۴- در یک نگاه کلی، متون یا آثار مکتوب ادبی به چند بخش تقسیم می‌شوند؟ بنویسید.

۴۵- نخستین و آخرین مرحلهٔ بررسی متون کدام است؟ بنویسید.

۴۶- لحن شعر «به دام افتاد روباهی سحرگاه/ به روبه بازی اندیشید در راه» چیست؟

۴۷- انواع ادبی را در یونان باستان نام ببرید.

۴۸- ابیات زیر را بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید.

مگر پرسید درویشی ز مجنون　　که چند است ای پسر سنّ تو اکنون

جوابش داد آن شوریده‌احوال　　که سنّ من هزار است و چهل سال

چهل عمر من است این و زیان است　　ولی عمر هزاران آن زمان است

ولی آن یک زمان سالی هزارست　　که با لیلی مرا خود بی‌شمار است　　«الهی‌نامهٔ عطّار»

الف) یک نمونه از ترکیب‌سازی در این ابیات بیابید.

ب) ابیات را از نظر قلمرو فکری تحلیل کنید.

۴۹- حکایت زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید:

توانگری در عهد یکی از ظالمان بمرد. وزیر آن ظالم پسر وی را طلب کرد و پرسید که «پدر تو چه گذاشته است؟» گفت «از مال و منال چنین و چنان و از وارثان، وزیر کبیر را و این فقیر حقیر را».

وزیر بخندید و فرمود میراث وی را به دو نیم کردند؛ نیمی را به وی گذاشت و نیمی را برای پادشاه برداشت.　　«بهارستان جامی»

الف) نمونه‌های کاربرد تاریخی دستور در افعال را بنویسید.

ب) یک نمونه از حذف فعل در حکایت مشخص کنید.

پ) پسر شخص توانگر (ثروتمند) با چه روشی توانست بخشی از ارث پدر را حفظ کند؟

۵۰- هر یک از قسمت‌های مشخص‌شده در ستون اول، مربوط به کدام ویژگی در ستون دوم است؟ (یک ویژگی در ستون دوم اضافی است.)

«اول»	«دوم»
الف) پس آن‌گه، مرده کرد او خویشتن را　　ز بیم جان، فروافکند تن را	۱- استفاده از تشبیه
ب) به دل، روباه گفتا: «ترک غم گیر　　چو زنده مانده‌ای، یک گوش کم‌گیر	۲- کاربرد تاریخی دستور
پ) به دل، روباه گفتا: «گر بمانم　　نه دندان باش و نه گوش و زبانم	۳- ترکیب‌سازی
ت) بگفت این و به صد دستان و تزویر　　بِجَست از دام، همچون از کمان، تیر	۴- کاربرد شبکهٔ معنایی
	۵- کاربرد کنایه

۵۱- از نگاه عطار، شاعر شعر «به دام افتاد روباهی سحرگاه ...» گرانبهایی دل به چه علت است؟

۵۲- نوع نگرش حاکم بر حکایت کلیله که با عبارات «هر که به امور دنیایی روآورد از سعادت آخرت خود غفلت کند، همچون آن مرد است که ...» آغاز می‌شود، چیست؟

۵۳- نوع لحن را در سرودهٔ زیر بنویسید.

«نهنگی بچهٔ خود را چه خوش گفت: به دین ما حرام آمد کرانه
به موج آویز و از ساحل بپرهیز همه دریاست ما را آشیانه»

۵۴- با توجه به متن زیر، دو مورد از کاربرد کهن واژگان که امروزه، به گونه‌ای دیگر به کار گرفته می‌شوند را بیابید و بنویسید.

«هر که به امور دنیایی روآورد و از سعادت آخرت خود غفلت کند، همچون آن مرد است که از پیش اُشتر مست بگریخت و به ضرورت، خویشتن در چاهی آویخت و دست در دو شاخ زد که بر بالای آن روئیده بود و پاهایش بر جایی قرار گرفت.»

۵۵- محتوای سرودهٔ زیر را از نظر قلمرو فکری بررسی کنید و بنویسید.

آب را گل نکنیم
در فرودست انگار
کفتری می‌خورد آب
یا که در بیشهٔ دور
سیره‌ای پَر می‌شود
یا در آبادی، کوزه‌ای پُر می‌گردد
آب را گل نکنیم
شاید این آب رون
می‌رود پای سپیداری،
فروشوید اندوهِ دلی،
دست درویشی شاید،
نان خشکیده فروبرده در آب ... «سهراب سپهری»

۵۶- با توجه به حکایت نقل‌شده از کلیله و دمنه و تمثیل «مردی که از اُشتر مست گریخت و چاهی آویخت» درکتاب درسی، نویسنده تلاش می‌کند چه افکاری را به خواننده انتقال دهد؟

۵۷- در شعر زیر:

آن قصر که جمشید در او جام گرفت آهو بچه کرد و روبه آرام گرفت
بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت «خیام»

الف) ویژگی قلمرو فکری را بیان کنید.

ب) دو مورد از ویژگی‌های قلمرو زبانی را بنویسید.

پ) شعر را از دید قلمرو ادبی بررسی کنید.

۵۸- شعر زیر را از سه دیدگاه زبانی، فکری و ادبی بررسی و تحلیل کنید.

آنان که محیط فضل و آداب شدند در جمع کمال شمع اصحاب شدند
ره زین شب تاریک نبردند برون گفتند فسانه‌ای و در خواب شدند «خیام»

زبانی:

ادبی:

فکری:

ت) مفهوم کلی یا نتیجه‌گیری (از دیدگاه فکری) هر یک از ابیات زیر را بنویسید.

۵۹- آدمی پیر چوشد، حرص جوان می‌گردد خواب در وقت سحرگاه، گران می‌گردد
۶۰- دود اگر بالا نشیند، کسر شأن شعله نیست جای چشم ابرو نگیرد، گرچه او بالاتر است
۶۱- بی‌کمالی‌های انسان از سخن پیدا شود پستهٔ بی‌مغز چون لب واکند، رسوا شود
۶۲- سعدی از سرزنش غیر نترسد هیهات غرقه در نیل چه اندیشه کند باران را
۶۳- سرّ من از نالهٔ من دور نیست لیک چشم و گوش را آن نور نیست

۶۴- بیت زیر را از دیدگاه‌های زبانی، فکری و ادبی بررسی کنید.

بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران

۶۵- با توجه به متن زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«در زمان مصطفی ﷺ کافری را غلامی بود مسلمان، صاحب گوهر، سحری خداوندگارش فرمود که: «تاس‌ها برگیر که حمام رویم.» در راه مصطفی ﷺ در مسجد با صحابه نماز می‌کرد. غلام گفت: «ای خواجه، این تاس را لحظه‌ای بگیر تا دوگانه بگزارم. بعد از آن به خدمت روم.» چون در مسجد رفت، نماز کرد. مصطفی ﷺ بیرون آمد و صحابه هم بیرون آمدند.

غلام، تنها در مسجد ماند. خواجه‌اش تا به چاشتی منتظر [بود] و بانگ می‌زد که: «ای غلام برون آی!» گفت: «مرا نمی‌هِلند.» چون از کار از حد گذشت، خواجه سر در مسجد کرد تا ببیند که کیست که نمی‌هلد. جز کفشی و سایه‌ای ندید و کس نمی‌جنبید. گفت: «آخر، کیست که تو را نمی‌هلد که برون آیی؟» گفت: آن کس که تو را نمی‌گذارد که اندرون آیی. خود، کس اوست که تو او را نمی‌بینی.» «فیه ما فیه، مولوی»

الف) ویژگی‌های زبانی متن را بنویسید.

ب) از دید فکری، نوع متن را مشخص کنید.

۶۶- حکایت زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«یکی از شاعران پیش امیر دزدان رفت و ثنایی بر او گفت. فرمود تا جامه از او برکنند و از ده بیرون کنند. مسکین برهنه به سرما همی‌رفت. سگان به دنبال وی افتادند، خواست تا سنگی بردارد و سگان را دفع کند. زمین یخ گرفته بود، عاجز شد. گفت: این چه حرام‌زاده مردمان‌اند، سنگ را بسته‌اند و سگ را گشاده!»

امیر از دور بدید و بشنید و بخندید و بگفت: «ای حکیم، از من چیزی بخواه.» گفت: جامهٔ خود می‌خواهم اگر انعام می‌فرمایی.

امیدوار بود آدمی به خیر کسان مرا به خیر تو امید نیست شر مرسان» «گلستان سعدی»

الف) از هر کدام از موارد زیر، نمونه‌ای را از متن بیابید و بنویسید.

۱- کوتاهی و سادگی جملات: ۲- کاربرد واژگان کهن:

ب) دو ویژگی ادبی متن را بنویسید.

پ) نوع ادبی حکایت (تعلیمی ـ غنایی) است.

ت) محتوای کلی حکایت را بنویسید.

۶۷- متن زیر را بخوانید و موارد خواسته‌شده را در جدول بنویسید.

تا توانی از نیکی و نیکی‌کردن میاسا و خود را به نیکی و نیکوکاری به مردم نمای و چون نمودی به خلاف نموده مباش. به زبان دیگر مگوی و به دل دیگر مدار تا گندم‌نمای جوفروش نباشی ... . اندر همه کاری داد از خویشتن بده که هر که داد از خویشتن بدهد. از داور مستغنی باشد و اگر غم و شادیت بود به آن کس گوی که تیمار غم و شادی تو دارد و اثر غم و شادی پیش مردمان بر خود پیدا مکن و بر هر نیک و بد زود شادان و زود اندوهگین مشو که این فعل کودکان باشد.

قلمرو زبانی	الف) یک نمونه کاربرد تاریخی دستور: ب) تفاوت معنایی «که» در عبارت «که هر که داد از خویشتن بدهد، از داور مستغنی باشد ...»
قلمرو ادبی	پ) نمونه‌ای از آرایهٔ کنایه: ت) دو واژهٔ متضاد:
قلمرو فکری	ث) دو پیام از متن: ۱- ۲-
تعیین نوع	ج) نوع ادبی متن:

۶۸- رابطهٔ معنایی (تناسب، تضمن، تضاد و ترادف) را در مقابل هر بیت، با توجه به واژه‌های مشخص‌شده، بنویسید.

الف) بگفت این و به صد دستان و تزویر بجَست از دام، همچون از کمان، تیر

ب) زین درد خون گریست سپهر و ستاره هم خون گشت قلب لعل و دل سنگ خاره هم

۶۹- هر یک از موارد گروه «الف» مربوط به کدام قلمرو در گروه «ب» است؟ (یک مورد در گروه «ب» اضافی است.)

«اول»	«دوم»
الف) قالب شعر	۱- نکات زبانی
ب) ترکیب‌سازی	۲- نکات فکری
-	۳- نکات ادبی

۷۰- با توجه به ابیات زیر، موارد خواسته‌شده را بنویسید.

بـــوی جـــوی مـــولـــیـــان آیـــد همی / یـــاد یـــار مـــهـــربـــان آیـــد همی
ریـــگ آمـــوی و درشـــتـــی راه او / زیـــر پـــایـــم پـــرنـــیـــان آیـــد همی
ای بـــخـــارا شـــاد بـــاش و دیـــر زی / مـــیـــر زی تـــو شـــادمـــان آیـــد همی
مـــیـــر مـــاه اســـت و بـــخـــارا آســـمـــان / مـــاه ســـوی آســـمـــان آیـــد همی
مـــیـــر ســـرو اســـت و بـــخـــارا بوستان / ســـرو ســـوی بـــوســـتـــان آیـــد همی

الف) کاربرد تاریخی دستور در بیت اول در کدام واژه دیده می‌شود؟

ب) در بیت چهارم بین واژه‌های «ماه و آسمان» یک رابطهٔ معنایی بنویسید.

پ) در بیت سوم، آرایهٔ تشخیص را نشان دهید.

ت) در بیت سوم، میان کدام واژه‌ها، جناس همسان وجود دارد؟

ث) آرایهٔ مشترک مصراع اول بیت‌های چهارم و پنجم چیست؟

ج) آرایهٔ مشترک مصراع دوم بیت‌های چهارم و پنجم چیست؟

۷۱- با توجه به متن زیر به سؤالات پاسخ دهید.

چـــه بـــایـــد هـــمـــه زنـــدگـــانـــی دراز / چـــو گیتی نـــخـــواهـــد گـــشـــادنـــت راز
هـــمـــی‌پـــرورانـــدنـــدت بـــا شهد و نوش / جـــز آواز نـــرمـــت نـــیـــایـــد بـــه گـــوش
بـــدو شـــاد بـــاشـــی و نـــازی بـــدوی / هـــمـــان راز دل را گـــشـــایـــی بـــدوی
یـــکـــی نـــغـــز بـــازی بـــرون آورد / بـــه دل انـــدرون درد و خـــون آورد
دلـــم ســـیـــر شـــد زیـــن ســـرای سپنج / خـــدایـــا مـــرا زود بِـــرهـــان ز رنـــج

الف) واژگان کهن را بنویسید.

ب) کاربردهای کهن دستوری را بنویسید.

پ) از دید قلمرو ادبی شعر را تحلیل کنید.

ت) از دید فکری، اشعار بالا چه موضوعی را مطرح می‌کند؟

ث) پاسخ درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

۷۲- عبارت زیر مربوط به کدام‌یک از مراحل بررسی و تحلیل متن است؟

«شعر، ظاهری ساده، محسوس و عینی دارد اما دارای مفهومی ذهنی و معنوی است.»

۱) شناسایی و استخراج نکات فکری ۲) نتیجه‌گیری و تعیین نوع

۷۳- کدام گزینه در پاسخ به این عبارت نادرست است؟ «در بررسی قلمرو زبانی به مواردی، مثل ..... برخورد می‌کنیم.»

۱) کابرد تاریخی دستور ۲) تضاد میان واژه‌ها ۳) کاربرد «را» در معنای حرف اضافه

۷۴- لحن متناسب با کدام نوع ادبی برای خوانش بیت زیر مناسب است؟

«از پـــی توســـت ایـــن همـــه امیـــد و بیـــم / هـــم تـــو ببخشای و ببخش ای کریم»

۱) حماسی ۲) تعلیمی ۳) غنایی

۷۵- قالب و لحن شعر زیر در کدام گزینه آمده است؟

حریـــص و جهان‌ســـوز و ســـرکش مبـــاش / ز خـــاک آفریـــدنـــدت آتـــش مبـــاش

۱) قطعه ـ تعلیمی ۲) مثنوی ـ تعلیمی ۳) مثنوی ـ حماسی

۷۶- در بیت «به دام افتاد روباهی سحرگاهی / به روبه بازی اندیشید در راه» کدام‌یک از نکته‌های زبانی به وضوح دیده می‌شود؟

۱) ترکیب‌سازی ۲) وجود واژگان کهن ۳) کاربرد شبکهٔ معنایی

۷۷- کدام‌یک از قسمت‌های مشخص‌شده از نظر بررسی نوع قلمرو (زبانی، ادبی، فکری) متفاوت است؟

۱) کـــه گـــر صـــیـــاد بیـــنـــد هـــم چنیـــنیـــم / دهـــد حـــالـــی بـــه گاوَر پوســـتینم
۲) نـــزد دم، تـــا کـــه آهـــن درفکنـــنـــد / بـــه ســـختی چنـــد دنـــدانـــش بکنـــنـــد
۳) چـــو صـــیـــاد آمـــد، او را مـــرده پنداشـــت / نمی‌یارســـت روبـــه را کـــم انگاشـــت

۷۸- از کدام‌یک از بیت‌های زیر، مفهوم «تواضع و فروتنی» دریافت می‌شود؟

۱) قطـــرهٔ آبـــی دارد در نظـــر گوهرشـــدن / از کنـــار ابـــر، تـــا دریـــا تنـــزّل بایـــدش
۲) هر که زین گلشن، لبی‌خندان‌تر از گل بایدش / خاطـــری فـــارغ ز عالـــم چـــون تـــوکل بایـــدش
۳) هر که می‌خواهد که از سنجیده‌گفتاران شود / بـــر زبـــان بنـــد گرانـــی از تأمـــل بایـــدش

۷۹- عینک زیبایی‌شناسی را در مرحلهٔ ..... به چشم می‌زنیم.

۱) شناسایی و استخراج نکات زبانی ۲) شناسایی و استخراج نکات ادبی ۳) شناسایی و استخراج نکات فکری

۸۰- کدام گزینه دربارهٔ نتیجه‌گیری شعر «به دام افتاد روباهی سحرگاه ...» نادرست است؟

۱) شعر، ظاهری ساده، محسوس و عینی دارد.

۲) نتیجه‌گیری پایانی آن، مفهومی عینی و معنوی است.

۳) نتیجه‌گیری پایانی آن، مفهومی ذهنی و معنوی است.

۸۱- کدام‌یک از موارد زیر برای کشف لحن و آهنگ متون ادبی ضروری است؟

۱) شناسایی و استخراج نکات ادبی ۲) خوانش دقیق متن ۳) نگاهی کلی به متن از آغاز تا انجام

۸۲- کدام متن «شنیداری» است؟

۱) گزارش فوتبال ۲) مجموعهٔ تلویزیونی ۳) عطر یاس

۸۳- با توجه به حکایت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

ز خاک آفریدت خداوند پاک — پس ای بنده افتادگی کن چو خاک
حریص و جهان‌سوز و سرکش مباش — ز خاک آفریدندت آتش مباش
یکی قطره باران ز ابری چکید — خجل شد چو پهنای دریا بدید
که جایی که دریاست من کیستم؟ — گر او هست حقّا که من نیستم
چو خود را به چشم حقارت بدید — صدف در کنارش به جان پرورید
بلندی از آن یافت کاو پست شد — درِ نیستی کوفت تا هست شد
تواضع کن و هوشمندی گزین — نهد شاخ پُر میوه سر بر زمین

الف) شعر در چه قالبی سروده شده است؟

۱) قصیده ۲) مثنوی ۳) غزل ۴) قطعه

ب) در بیت اول کدام آرایهٔ ادبی به چشم می‌خورد؟

۱) استعاره ۲) ایهام ۳) تشبیه ۴) تضاد

پ) با توجه به محتوا، این حکایت در کدام باب از بوستان سعدی نقل شده است؟

۱) احسان ۲) عشق ۳) تواضع ۴) تربیت

ت) درون‌مایه و محتوای حکایت چیست؟

۱) افتادگی و تواضع باعث رسیدن به درجات بالا می‌شود.
۲) کوچکی و حقارت در برابر عظمت بزرگان
۳) دیدن بزرگی و عظمت دیگران، انسان را به کمال می‌رساند.
۴) تواضع، انسان را به حقارت می‌کشاند.

۸۴- پس از خواندن حکایت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«مردم‌آزاری را حکایت کنند که سنگی بر سر صالحی زد. درویش را مجال انتقام نبود. سنگ را نگاه همی‌داشت تا زمانی که مَلِک را بر آن لشکری خشم آمد و در چاه کرد.

درویش اندر آمد و سنگ در سرش کوفت.

گفتا: تو کیستی و مرا این سنگ چرا زدی؟ گفت: من فلانم و این همان سنگ است که در فلان تاریخ بر سر من زدی.

گفت: چندین روزگار کجا بودی؟ گفت: از جاهت اندیشه همی‌کردم، اکنون که در چاهت دیدم، فرصت غنیمت دانستم.

چون نداری ناخن درّنده تیز — با دَدان آن بِه که کم‌گیری ستیز
هر که با پولاد بازو، پنجه کرد — ساعد مسکین خود را رنجه کرد
باش تا دستش ببندد روزگار — پس به کام دوستان، مغزش برآر»

الف) مفهوم کلی حکایت چیست؟

۱) بدی را با خوبی پاسخ‌دادن ۲) جبران‌کردن بدی با بدی
۳) غنیمت‌شمردن فرصت مناسب ۴) درافتادن با قدرتمندان

ب) نوع ادبی حکایت چیست؟

۱) غنایی ۲) تعلیمی ۳) حماسی ۴) نمایشی

پ) براساس متن، کدام گزینه درست است؟

۱) به جای «می‌داشت» از «همی‌داشت» استفاده شده است. ۲) از لغات کهنی مانند «مجال، صالح، درویش و چاه» استفاده شده است.
۳) بین «مَلِک» و «لشکری»، تضاد وجود دارد. ۴) کاربرد استعاره در واژهٔ «دد»

۸۵- پرداختن به کدام مورد، مصداق مواجهه با یک متن نیست؟

۱) صدای آواز
۲) دیوان شعر
۳) خوابیدن
۴) تماشای مسابقهٔ فوتبال

۸۶- پیام و نتیجه‌گیری همهٔ بیت‌ها در مقابل آن درست آمده، به‌جز:

۱) گر به اقلیم عشق روی آری / همه آفاق، گلستان بینی (تغییر نحوهٔ نگرش)
۲) ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن / تأثیر اختران شما نیز بگذرد (پایداری اعتبار دنیا)
۳) کسی که وسعت او در جهان نمی‌گنجد / به خانهٔ دل من آمده است مهمانی (شخصیت و مقام والای معنوی)
۴) الا ای همنشین دل که یارانت برفت از یاد / مرا روزی مباد آن دم که بی‌یاد تو بنشینم (وفاداری)

۸۷- نوع ادبی ابیات کدام گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

۱) به مردی به میدان نهادند روی / جهان شد از ایشان پر از گفت‌وگوی
که ایشان ز آب و گل دیگرند / نگهبان دین، حافظ کشورند
۲) صبر بر جور فلک کن تا برآیی روسفید / دانه چون در آسیا افتد تحمل بایدش
قطرهٔ آبی که دارد در نظر گوهرشدن / از کنار ابر تا دریا تنزّل بایدش
۳) مکن پیش دیوار، غیبت بسی / بوَد کز پسش گوش دارد کسی
از آن مرد دانا دهان دوخته است / که بیند که شمع از زبان سوخته است
۴) نکوهش مکن چرخ نیلوفری را / برون کن ز سر باد خیره سری را
بری دان ز افعال چرخ برین را / نشاید ز دانا نکوهش بری را

۸۸- مفهوم کدام گزینه به بیت زیر نزدیک است؟

«دمی آب‌خوردن پس از بدسگال / به از عمر هفتاد و هشتاد سال»

۱) چنان نبود که کام و مراد ایشان بود / که بدسگال دگر خواست، کردگار دگر
۲) آب در حلق دشمن از قهرت / شعله شعله چو نار خواهد کرد
۳) پس از مرگِ آن کس نباید گریست / که روزی پس از مرگ دشمن بزیست
۴) کم باد بدسگال وی و باد برفزون / اقبال و ملک و دولت و عمر و شباب او

۸۹- مفهوم بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«چون نداری ناخن درنده تیز / با ددان آن به که کم‌گیری ستیز»

۱) توصیه به پرهیز از مقابلهٔ ضعیفان با قدرتمندان
۲) توصیه به پرهیز از جنگ‌افروزی
۳) توصیه به ستیز با ددان و قدرتمندان
۴) شرط ستیزه با قدرتمندان شجاعت است.

۹۰- کاربرد «را» در کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

۱) اژدها را مانند کردم به مرجعی که از آن چاره نتواند بود.
۲) مرد، خلاص خود را طریقی می‌جُست.
۳) چو صیاد آمد او را مرده پنداشت.
۴) زبانش را برید آن مرد ناگاه

۹۱- کدام گزینه با عبارت «گفت: چه کنم؟ آب و گل مرا چنین سرشته‌اند» تناسب معنایی دارد؟

۱) تا چشم شور خلق نسازد تو را کباب / تنها مخور پیالهٔ سرشار خویش را
۲) بی‌حاصل است تخم‌فشاندن به شوره‌زار / مگشا به بی‌غمان لب گفتار خویش را
۳) زان پایدار ماند در این باغ حُسن سرو / کز خود جدا نکرد هوادار خویش را
۴) از کینه پاک کن دل افگار خویش را / صبح امید ساز شب تار خویش را

۹۲- در کدام بیت کاربرد واژگان کهن را که امروزه به گونه‌ای دیگر به کار گرفته می‌شوند، نمی‌توان یافت؟ *(سراسری اردیبهشت ۱۴۰۴)*

۱) همراه خود نسیم صبا می‌برد مرا / یا رب چو بوی گل به کجا می‌برد مرا؟
۲) زان‌که آوازت تو را در بند کرد / خویشتن مرده پی این پند کرد
۳) حرم آل رسول است تو را جای که هیچ / دیو را راه نبوده است در این شهره حریم
۴) بنگر، پیوستی آن‌چه گفت پیوند؟ / بنگر، بگسستی آن‌چه گفت که بگسل؟

درس اول: مبانی تحلیل متن

۱. درست
۲. نادرست؛ نگاه کلی برای کشف لحن و آهنگ ضروری است.
۳. نادرست؛ دچار اختلال نمی‌شود.
۴. نادرست؛ هر چیزی که ذهن ما به پویایی درآورد، «متن» است.
۵. نادرست؛ جزء نکات ادبی است.
۶. نادرست؛ دیداری هستند، اگر خوانده شدند، به آن‌ها شنیداری یا خواندنی می‌گوییم.
۷. درست
۸. درست
۹. نادرست؛ در مرحلهٔ شناسایی نکات زبانی بیان می‌شود.
۱۰. نادرست؛ فقط نوشته‌های روی کاغذ و کتاب نیست.
۱۱. درست
۱۲. نادرست؛ بخشی از «کلیله و دمنه» (ترجمهٔ نصرالله منشی) است.
۱۳. نادرست؛ این طبقه‌بندی جنبهٔ محتوایی دارد، نه ساختاری.
۱۴. نادرست؛ «گازُر» نمونه‌ای از واژگان کهن است، نه یک ساختار دستوری کهن.
۱۵. چشم‌خوانی
۱۶. ادبی
۱۷. دیداری ـ شنیداری یا خواندنی
۱۸. شعر و نثر
۱۹. یونان باستان ـ شعر ـ محتوایی
۲۰. عطار ـ منطق‌الطّیر
۲۱. خواندن
۲۲. خوانش دقیق متن
۲۳. خداوند
۲۴. نتیجه‌گیری
۲۵. استخراج نکات ادبی
۲۶. شنیداری
۲۷. ترکیب‌سازی
۲۸. ساده
۲۹. پیش
۳۰. **الف** شنیداری **ب** پویایی
۳۱. **الف** بیشتر کلمات فارسی هستند./ ساختمان واژگان غیرساده: پوستین (جامه‌ای از پوست)، نمناک، غمناک

ب قالب شعر (نو یا نیمایی) است./ واژگان قافیه: نمناکش، غمناکش/ تشبیه باران به ساز، باد به سرود/ استعاره: باغ (زندگی شاعر)/ تشخیص: ابر آسمان را در آغوش گرفته است./ کنایه: ابری‌بودن آسمان/ مراعات نظیر: ساز و سرود/ ابر، پوستین، سرد/ باغ بزرگ
تضاد: شب و روز/ حس‌آمیزی: سکوت پاک

پ ۱- توصیف فصل پاییز ۲- توصیف زندگی و شرایط نامناسب اجتماعی شاعر
۳۲. شناسایی و استخراج نکات زبانی: ۱- کمی واژگان غیرفارسی ۲- جدانویسی نشانهٔ منفی‌ساز فعل
شناسایی و استخراج نکات ادبی: بهره‌گیری از تمثیل
شناسایی و استخراج نکات فکری: هوشیاری و پرهیز از خوشی‌های زودگذر
۳۳. **۲** زیرا، «را» در این جمله به معنای «برای» به کار رفته است و حرف اضافه است و در **۱** نشانهٔ مفعول است.
۳۴. **الف** زبانی (جمع کلمهٔ موش با «ان»)
ب ادبی (شبکهٔ معنایی میان «شهد و حلاوت»)
پ فکری (شریف (= برتر) بودن انسان در میان مخلوقات) و زبانی (کاربرد تاریخی دستور: شریف‌تر خلایق (به شریف‌ترین خلایق))
۳۵. **الف** صبوری و شکیبایی در برابر سختی‌های روزگار
ب تفکر و درنگ قبل از سخن‌گفتن
پ برتری خداوند از یقین و گمان بشتر و دست‌نیافتنی‌بودن او
۳۶. **ب** ۱- واژه‌های عربی در این بیت (طیب (نیکو) ـ نُزهت (خرّمی) ـ عجیب (شگفت‌انگیز))
۲- **الف** همی‌داشت ← داشت
۳- **پ** به سروبُن بر ← بر سروبن ـ به شاخ گل بر ← بر شاخ گل
(در این گزینه نیز ۴ واژهٔ عربی دیده می‌شود: صُلصُل (فاخته)، نغمه، لحن، غریب؛ ولی اگر این گزینه را برای مورد «ب» در نظر بگیریم، مورد «پ» بدون گزینه خواهد بود.)
۳۷. **الف** مردم بیگانه را: مفعول ـ حشمت را زیان دارد، برای حشمت، زیان دارد (حرف اضافه).
ب مکن ← نکن ـ مهمان توان کردن. می‌توانی مهمان کنی ـ شوی ← بشوی ـ مشو ← نشو
پ بسته‌بودن زبان عیب‌جویان ← نداشتن امکان عیب‌جویی
ت تعلیمی و اندرزی؛ نویسنده می‌کوشد آداب مهمان‌پذیرفتن و مهمان‌شدن را به پسر خود بیاموزد.
۳۸. دل جایگاهی بااهمیت دارد در مقایسه با دیگر اعضای بدن (گوش، زبان و دندان)، برتری دارد.
۳۹. **الف** جمع کلمهٔ موش با «ان»/ کاربرد کلمهٔ «قاتل» در معنی «کشنده» برای غیر انسان **ب** شهد **پ** منفی، زیرا معتقد است که راه رستگاری را بر انسان می‌بندند.
۴۰. **الف** خواب‌گزاری را بخواند: نشانهٔ مفعول/ این مرد را صد دینار بدهید: حرف اضافه به معنای «به» **ب** کاربرد تاریخی دستور **پ** خواب‌گزار اول بدون توجه به حال مخاطب و موقعیت سخن، خواب را تعبیر کرد و سبب دل‌آزردگی امیر شد؛ بنابراین تنبه شد./ خواب‌گزار دوم همان تعبیر را با رعایت حال مخاطب و استفادهٔ درست از واژگان بیان کرد و مورد تشویق قرار گرفت.
۴۱. **الف** «سر و قعر» در ترکیب (سر چاه و قعر چاه)، «پا و سر»
ب شاخ، بنگریست
۴۲. **الف** خلید؛ مصدر خَم به معنای «فروکردن جسم تیز»، معنای «فرورفتن» نیز کاربرد دارد.
ب خسته‌شدن جگر، کنایه از «ناراحت‌شدن»
پ کِت (مخفف «که تو را») ← کت جگر: که جگر تو)

نکته: امروز هم در محاوره می‌گوییم «چت شده» به معنی «تو را چه شده.»

۴۳. دو تشبیه در مصراع دوم (خلق و خوی نیک به کلید و نیکی به گنج تشبیه شده است.)
جناس: «نیک» و «نیکی»
۴۴. دو بخش: **الف** شعر **ب** نثر
۴۵. نخستین گام خوانش متن
آخرین مرحله: نتیجه‌گیری و تعیین نوع متن
۴۶. روایی ـ داستانی
۴۷. حماسی، غنایی، نمایشی و تعلیمی
۴۸. **الف** شوریده‌احوال (واژهٔ وندی ـ مرکّب، شامل «شورید + ـه + احوال»)
ب مجنون در پاسخ کسی که سنّ او را پرسیده، خود را هزار و چهل ساله معرّفی می‌کند و سپس استدلال می‌کند که چهل سال عمر عادی اوست و هزار سال لحظه‌ای است که در عشق لیلی به سر برده. در نتیجه این ابیات بر اهمیّت عشق و ارزش‌بخشی آن به زندگی اشاره دارد. نوع ادبی متن غنایی و لحن آن روایی است.
۴۹. **الف** بمرد ← مُرد ـ بخندید ← خندید
ب از مال و منال، چنین و چنان [گذاشته است] و از وارثان، وزیر کبیر را و این حقیر فقیر را [گذاشته است.]
پ او با هوشمندی و زیرکی، در پاسخ این‌که وارث پدرش کیست، وزیر را نیز به عنوان وارث معرّفی می‌کند، ولی خودش را نیز وارث می‌نامد. به این ترتیب با اطلاع از این‌که می‌خواهند بخشی از مال او را به ظلم بگیرند، دست کم نیمی از آن را برای خود حفظ می‌کند.

۵۰. الف ← «۲» کاربرد تاریخی دستور (مُرده کرد ← خود را به مردن زد)
ب ← «۵» کاربرد کنایه (ناراحت نباش)
پ ← «۴» کاربرد شبکهٔ معنایی
ت ← «۱» استفاده از تشبیه
مورد «۳» اضافی است.

۵۱. به سبب آن است که خانه و جایگاه خداوند است.

۵۲. حکمی و تعلیمی

۵۳. روایی ـ داستانی

۵۴. اُشتر (شتر)، شاخ (شاخه)

۵۵. ۱- زندگی را باارزش نپندارید و با چیزهای آلوده و فاسد آن را آلوده نکنید، زیرا انسان‌هایی هستند که زندگی را دوست دارند و به آن دلخوش‌اند. ۲- به آشتی و صلح با طبیعت دعوت می‌کند. ۳- اندیشیدن به طبیعت و فکر آن را در سر پروراندن، تجلی دیدگاه عارفانهٔ شاعر است. ۴- آب، نماد نور و شفافیت است.

۵۶. ۱- نسبت به جایگاه انسان، نگاه خوش‌بینانه و والایی داشته باشد.
۲- قدر لحظه‌لحظهٔ عمر خویش را بداند.
۳- هوشیاری خود را حفظ کند و آن‌قدر سرگرم خوشی‌های دنیایی نشود که گرفتار غفلت گردد.
۴- سعادت و نیک‌بختی راستین، کسب خشنودی خدای بزرگ است.

۵۷. الف ناپایداری و زوال قدرت دنیوی را بیان می‌کند.
ب کاربرد واژهٔ «روبه» به جای «روباه»/ تلفظ واژهٔ «بچه» بدون تشدید برای رعایت وزن شعر[۱]/ کم‌بودن کلمات غیرفارسی
پ قالب شعر (براساس شکل قرارگیری قافیه) رباعی است./ کاربرد تلمیح در بیت اول (ماجرای جمشید و جام جم) و بیت دوم (ماجرای بهرام گور)/ استفاده از ایهام (جام: ۱- پیالهٔ شراب ۲- جامی که جمشید داشته و در آن جهان را مشاهده می‌کرده است.)/ تناسب: جام و جمشید، بهرام و گور، آهو و روبه/ استفاده از جناس تام در بیت دوم: گور: ۱- گور خر ۲- قبر/ کاربرد کنایه: گور بهرام گرفت: مردن بهرام

۵۸. زبانی: «محیط» در معنای «اقیانوس»/ کاربرد واژه‌های غیر فارسی (محیط فضل، آداب جمع، کمال، شمع، اصحاب و ...)
ادبی: قالب شعر: رباعی/ استفاده از کنایه: شمع اصحاب شدن (برتری و سرآمد و راهنما بودن)، راه بیرون‌بردن (یافتن راه حل و نجات)، در خواب‌شدن (مرگ)/ استفاده از تشبیه: کسانی که مانند محیط (اقیانوس) یا مانند شمع شدند./ مراعات نظیر: شب، تاریک، فسانه، خواب/ استفاده از جناس: شمع و جمع
فکری: راز خلقت را کسی نمی‌تواند دریابد و درک کند. (ناتوانی بشر از درک راز هستی)

۵۹. طمع‌کاری و آزمندی انسان در پیری

۶۰. مقام و منصب اجتماعی نشان‌دهندهٔ شایستگی افراد و برتری دارندگان آن بر دیگران نیست.

۶۱. شیوهٔ سخن‌گفتن هر کس، نمایانگر شخصیت و خرد اوست.

۶۲. استوار و محکم بودن در راه عقیده و نترسیدن از انتقاد و سرزنش دیگران

۶۳. ناتوانی از حواس ظاهری از درک اسرار عشق (اسرار الهی)

۶۴. زبانی: «خیزد» در معنی «بلند می‌شود»، فعل مضارع اخباری است. کز: مخفّف «که از»
ادبی: استفاده از آرایه‌های تشبیه: من (نهاد محذوف) چون ابر/ تشخیص: گریهٔ ابر، نالهٔ سنگ/ مراعات نظیر: ابر، بهار/ کنایه: گریهٔ ابر (بارش باران)/ واج‌آرایی: / ب/ / ر/ / گ/
فکری: بیان شدت اندوه از فراق و جدایی از معشوق

۱- در آینده، با وزن و قواعد آن آشنا خواهیم شد.

۶۵. الف نثر ساده و روان است./ استفاده از واژگان عربی: کافر، غلام، مسلمان، سحر، حمام، مسجد، منتظر، حد، آخر، صحابه (جمع صاحب: یاران)/ استفاده از واژگان کهن: نمی‌هِلند. (نمی‌گذارند، اجازه نمی‌دهند)، خداوندگار: (صاحب، ارباب)، تاس: (کاسهٔ مسی)، برگیر: (بردار)، دوگانه: (نماز صبح، نماز دورکعتی)، بگزارم: (ادا کنم)، به خدمت روم: (در خدمت هستم)، چاشت: (هنگام صبح، بخشی از زمان معین شبانه‌روز)
ب متن، عرفانی و مذهبی است، خدا در همه‌جا هست و نایافتنی است.

۶۶. الف ۱- بدید و بشنید و بخندید و گفت ۲- جامه (لباس) حکیم (دانا) ثنا (ستایش و مدح) انعام (نعمت و پاداش دادن)
ب ۱- نثر مسجع است. ۲- استفاده از آرایه‌های جناس: (سنگ و سگ)، تضاد: (بسته و گشاده)، کنایه: سگ را بسته‌اند: (وسیلهٔ دفاع را از انسان گرفته‌اند).
پ تعلیمی
ت در صورتی که برای دیگران مفید نیستیم، به آن‌ها ضرر نرسانیم، بدبینی نویسنده را از زبان حکیم نشان می‌دهد که چرا روی خوش نشان‌دادن امیر دزدان را نیز به چشم شک و عامل ضرر و زیان می‌بیند.

۶۷. زبانی: الف کاربرد «میاسای» به جای «نیاسای» و «مباش» به جای «نباش»
ب «که» اول، حرف ربط است و «که» دوم، ضمیر به معنای «کسی»
ادبی: پ گندم‌نمای جوفروش نباش: کنایه از این‌که ریاکار و دورو نباش.
ت غم و شادی، نیک و بد، شادمان و اندوهگین
فکری: ث ۱- نیکی‌کردن به دیگران ۲- پرهیز از ریاکاری و تظاهر ۳- منصف‌بودن
تعیین نوع: ج تعلیمی

۶۸. الف ترادف (هر دو به معنای حیله و مکرند.)
ب تضمن (ستاره جزئی از پدیده‌هایی است که در سپهر (آسمان) وجود دارد.)

۶۹. الف ← «۳» نکات ادبی
ب ← «۱» نکات زبانی

۷۰. الف «آید همی» (معادل «می‌آید»)
ب تضمن (ماه یکی از پدیده‌هایی است که در آسمان است).
پ تشخیص: مخاطب قرار دادن بخارا، شادبودن و زندگی‌کردن بخارا (ای بخارا شاد باش و دیرزی)
ت «زی» اول: زندگی کن/ «زی» دوم: سوی
ث تشبیه: میر به ماه/ بخارا به آسمان/ میر به سرو/ بخارا به بوستان
ج استعاره ماه و سرو، استعاره از امیر/ آسمان و بوستان استعاره از بخارا

۷۱. الف گیتی ـ نوش ـ نغز ـ سپنج
ب چه باید: چرا باید/ نخواهند گشادنت: برای تو نخواهد گشود/ نیاید: نمی‌آید/ نازی: بنازی/ گشایی: بگشایی/ برون آورد: آشکار می‌کند/ به دلت اندرون: در دلت (در حرف اضافه برای یک متمّم)
پ قالب شعر مثنوی است. (ابیات از شاهنامهٔ فردوسی است.)
تشخیص: رازگشودن، پروراندن، بازی‌کردن به وسیلهٔ گیتی
مجاز: «شهد و نوش و آواز نرم»، مجاز از «خوشی و ناز و نعمت»
حس‌آمیزی: آواز نرم (نسبت‌دادن امر مربوط به حسّ لامسه به پدیدهٔ شنیداری)
استعاره: «نغزبازی» (بازی شگفت‌انگیز) استعاره از «رخداد» ـ «سرای سپنج»، استعاره از «دنیا»
کنایه: «خون در دل آوردن»، کنایه از «آزردن» ـ «سیرشدن دل»، کنایه از «خسته و دل‌زده شدن»
ت به خوشی‌ها و لذت‌های این دنیا نباید دل بست و آن‌ها را همیشگی نباید پنداشت. چراکه جهان در پایان کار، داده‌های خود را باز می‌ستاند و رنج و سختی را جایگزین آن می‌کند.

۷۲. ۲

۷۳. ۲ تضاد میان واژه‌ها در قلمرو ادبی بررسی می‌شود.

۷۴. ۳ غنایی ـ در این بیت شاعر احساسات شخصی خود را بیان می‌کند و لحن دعا و خواهش از معبود متناسب با نوع غنایی برای این بیت مناسب است.

۷۵. ۲ مثنوی ـ تعلیمی

۷۶. ۱ ترکیب‌سازی: روبه بازی

۷۷. ۲ «دم‌نزدن» کنایه (از سخن‌نگفتن) است که در مرحلهٔ شناسایی نکات ادبی بررسی می‌شود.

۱ و ۳ وجود واژگان کهن، مانند «گازُر» و «نمی‌یارست» در مرحلهٔ شناسایی نکات زبانی بررسی می‌شوند.

۷۸. بیت ۱ شرط ارتقای مقام قطرهٔ آب به گوهر (جواهر ارزشمند)، تنزّل (پایین‌آمدن) از ابر تا دریا ذکر شده است و این تمثیلی است برای درک لزوم تواضع و فروتنی.

در بیت ۲ مفهوم لزوم «توکل به خداوند» وجود دارد.

۷۹. ۲ مرحلهٔ استخراج نکات ادبی

۸۰. ۲ ظاهر شعر محسوس و عینی است، اما نتیجه‌گیری پایانی آن مفهومی، ذهنی و معنوی است.

۸۱. ۳ (نگاهی کلی به متن از آغاز تا انجام)

۸۲. ۱ ما گزارش را می‌شنویم، اگر در صورت سؤل گفته می‌شد «مسابقهٔ فوتبال»، متن دیداری می‌بود، ولی گزارش را فقط می‌شنویم، اما: مجموعهٔ تلویزیونی، متن «دیداری» و عطر یاس، متن «بویایی» است.

۸۳. الف ۲ مثنوی (قافیه در پایان هر دو مصراع یک بیت آمده است.)

ب ۳ تشبیه (بندهٔ متواضع مثل خاک)

پ ۳ تواضع (با توجه به مفهوم کلی حکایت)

ت ۱ افتادگی و تواضع، باعث رسیدن به درجات بالا می‌شود.

۸۴. الف ۳ غنیمت‌شمردن فرصت مناسب

ب ۲ تعلیمی

پ ۱ **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ واژه‌های «مجال، صالح، درویش و جاه» کهن نیستند و امروزه به کار می‌روند.

۳ «مَلک و لشکری» رابطهٔ تناسب دارند نه تضاد.

۴ از نکات قلمرو ادبی است.

۸۵. ۳ خوابیدن؛ مطابق تعریف کتاب، هر چیزی که ذهن را به پویایی درآورد، متن است. خوابیدن به خودی خود چنین حاصلی برای ذهن مانند ندارد و مصداق متن مورد تعریف کتاب نیست.

۸۶. ۲ ناپایداری و بی‌اعتباری دوران خوشی

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ روی‌آوردن به اقلیم عشق باعث می‌شود همهٔ آفاق را گلستان ببینیم.

۳ شعر در وصف امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است. توصیف داشتن وسعتی فراتر از جهان نشانه‌ای از شخصیت و مقام والای محبوب در این بیت است.

۴ در مصرع دوم شاعر آرزو می‌کند که لحظه‌ای بی‌یاد یار بودن روزی او نباشد. در حالی که در مصراع اول بیان کرده که معشوق او را از یاد برده است.

۸۷. ۱ نوع ادبی، ادبیات حماسی است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ ، ۳ و ۴ ادبیات تعلیمی‌اند.

۸۸. ۳ مفهوم بیت سؤال «یک لحظه زیستن پس از مرگ انسان بدخواه، از عمر هفتاد یا هشتاد ساله بهتر است.» که با مفهوم بیت ۳ تناسب دارد. در این بیت می‌گوید کسی که بعد از مرگ دشمنش حتی یک روز زیسته باشد، آدم خوشبختی است و بر مرگش نباید گریست.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ دشمن خواسته‌ای داشت و خداوند خواسته‌ای دیگر. در نتیجه کام و مراد آن دشمنان حاصل نشد.

۲ در حلق دشمن تو در اثر خشم و غلبهٔ تو، آب به شعله‌های آتش تبدیل خواهد شد.

۴ دشمنان او کم و نابود باشند و سعادت و فرمانروایی و عمر و جوانی او رو به فزونی و گسترش باشد.

۸۹. ۱ توصیه به پرهیز از مقابلهٔ ضعیفان با قدرتمندان

۹۰. ۲ به معنای «برای» آمده است و حرف اضافه است و در دیگر گزینه‌ها، نشانهٔ مفعول است.

۹۱. ۲ تلاش برای عوض‌کردن و تغییردادن سرشت انسانی که که تربیت شده است، کاری بی‌فایده است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ توصیه به تنهانماندن برای جلوگیری از نگاه منفی و آسیب‌رسان مردم

۳ دوام زیبایی و نیکویی سرو در گروه پذیرش هواداران است.

۴ پاک‌کردن دل از کینه و امیدواربودن در اثر آن

۹۲. ۱

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ فعل «مرده کرد» ساختار کهن دارد.

۳ استفاده از «را» به معنای «برای» در مصراع دوم

۴ استفاده از فعل «گسستن» در معنای «جداشدن»

درس دوم: سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار در شعر فارسی

۹۳. نادرست؛ جنبهٔ تزئینی ندارد.

۹۴. درست

۹۵. درست

۹۶. نادرست؛ از زبان استفاده می‌کند.

۹۷. نادرست؛ شعر و موسیقی هر دو برای برانگیختن حس و حال و عاطفه به کار می‌روند؛ یعنی تفکیکی که در عبارت صورت گرفته، نادرست است.

۹۸. درست

۹۹. نادرست؛ در کتاب‌های مقدّس از آهنگ و کلام موزون بهره گرفته شده، ولی مقدار آن بیشتر از اشعار نیست.

۱۰۰. نادرست؛ وزن ادراکی است که از احساس نظم حاصل می‌شود.

۱۰۱. درست

۱۰۲. نادرست؛ این شعر تعلیمی است، ولی با آهنگ و وزنی شاد و تند سروده شده.

۱۰۳. وزن

۱۰۴. عواطف

۱۰۵. عاطفه

۱۰۶. قدرت اثرگذاری

۱۰۷. آهنگ و کلام موزون

۱۰۸. وزن و آهنگ

۱۰۹. حواسّ ما

۱۱۰. الف ← ۵ ب ← ۳ پ ← ۴ ت ← ۲

ث ← ۱ ج ← ۲ چ ← ۱

۱۱۱. الف ← ۳ ب ← ۱ پ ← ۲

در بیت «الف» توصیه خوش و خرّم بودن است، با این توجیه و استدلال که دنیا به غم خوردن نمی‌ارزد.

بیت «ب» تهدید به کوبیدن و طرف مقابل در میدان نبرد است.

بیت «پ» دربارهٔ کسی است که از آشیانه و خانهٔ خود دور افتاده و سرانجام او اسارت و رنج ناشی از آن است.

۱۱۲. شوق به زمزمه و آوازخوانی

۱۱۳. حالت‌هایی چون اندوه، شادی، امید و یأس، حیرت و تعجب و ...

۱۱۴. الف ← ۲ ب ← ۱ پ ← ۳

۱۱۵. وزن و آهنگ کوبنده و کوتاه، متناسب با فضای میدان نبرد در متن حماسی

۱۱۶. بیت «الف»؛ وزن و آهنگ کوبنده و کوتاه است و بار حماسی، فضای شعر را غنی‌تر ساخته و وزن و آهنگ با محتوا هماهنگی کامل دارد.

بیت «ب»؛ شاعر سخن خود را با وزن و آهنگی درآمیخته است که به آسانی حالت شادی و نشاط درونی او را به خواننده منتقل می‌کند.

۱۱۷. از زبان کمک می‌گیرد و واژه‌هایی را برمی‌گزیند که آهنگی خاص پدید آورند که به انتقال احساس و عاطفه کمک می‌کنند.

۱۱۸. فضای حاکم بر شعر، فضای شاد و نشاط‌آور است که شاعر سخن خود را با وزن و آهنگی که این حالت را به آسانی به خواننده منتقل می‌کند، درآمیخته است.

۱۱۹. الف شادی و نشاط‌آور است. ب حزن‌آور و غم‌انگیز است.